



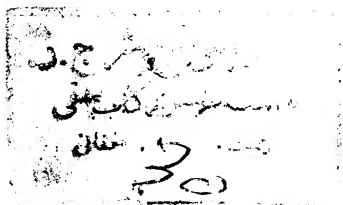
مختصری از :
تاریخ زندگی اجتماعی
زنان افغانستان

نویسنده: شاه محمود حصین

سال ۱۳۶۷

بمنا سبت دهمین ما لگرد

انقلاب شکو همند تور



اداره امور شورا ها ی ریاست جمهوری

افغانستان

مختصری از تاریخ زندگی اجتماعی زنان

افغانستان

شاه محمود «حصین»

کابل

۱۳۶۷



فهرست مطالب

صفحه الف

پیشگفتار
فصل اول
بخش اول :

مقام اجتماعی زنان در آریایان کهن

صفحه ۱

الف - دوره ویدی

صفحه ۶

ب - تمدن اوستائی

صفحه ۷

ج - سده های ما قبل اسلام

فصل دوم

بخش اول :

زندگی و موقف اجتماعی زنان در سده های میانه

صفحه ۱۴

الف - انتقال از برده گری به فیودالیسم

صفحه ۱۵

ب - پندیرا شدن آئین جدید

صفحه ۱۷

ج - تسلط اعراب و شدت بردگی زنان

صفحه ۱۹

د - تعمیق مناسبات فیودالی

و پیا آمدن درزنده گری زنان

فصل سوم

بخش اول :

مقام زن در تاریخ معاصر افغانستان

صفحه ۲۸

الف - دوره هوتکیان

ب - زنده گی زنان بعد از

صفحه ۳۱

تشکیل دولت مقتدر رسدوزانی

ج - نمونه های از فریاد های

صفحه ۳۳

زنان در این دوره

بخش دوم :

۱- مبارزه برای احیای نقش

اجتماعی زن در دوره روشنگری

صفحه ۳۶

افغانستان

۲- دوره اغتشاش و سالیهای

صفحه ۴۲

استبداد

۳- نخستین نشانه های تمایل

به مبارزه دموکراتیک در بین

صفحه ۴۴

زنان کشور

۴- کار، مبارزه و زنده گی زنان افغانستان

صفحه ۵۰

در یک و نیم دهه قبل از انقلاب نور

فصل چهارم

بخش اول :

الف - پیروزی انقلاب و پیاپی ده

صفحه ۵۳

آن در زنده گی زنان

ب - تحمیل جنگ اعلان نا شده

صفحه ۵۵

ورنج های ناشی از آن

صفحه ۵۷

ج - دوام مبارزه در شرایط دشوار جنگ

پیشگفتار

دیدگاه ها ، اندیشه ها و برداشت ها در مورد شخصیت ، موقف و مقام اجتماعی زن در درازنای تاریخ سخت ناهمگون و اغلب بزیان این نیمی از پیکره جامعه بوده است . درین مختصر گریز آوردن های تاریخی تلاشی نداریم تا مرز غیر قابل عبور و این تاریخ زندگی اجتماعی زن و مرد کشید و آنها را در برابر هم قرار دهیم . تاریخ گواه آنست که با پائین آمدن نقش زن در تولید اجتماعی و برتری مرد درین عرصه و نیز با ایجاد مالکیت خصوصی و سرمایه داری تو لید ، تقسیم جامعه به طبقات ، ایجاد دولت ها و تکوین اندیشه های اجتماعی - سیاسی و افکار عقیده ای و هم وابسته آن تحکیم و توسعه سلطه نظام پدرسالاری ، زنا دینی موجود پر عافیه و یا اجلاس پارسنگین و استخوان سوز اسطوره های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی را متحمل گشت و زنده گی پر ماجرا و درد انگیز را به استقبال گرفت زیرا ستم طبقاتی از یک سو و محصور ماندن در چار دیواری نظام پدرسالاری از جانب دیگر دست و پای ظریف و ناتوان او را چنان محکم بست که در هزاره های طولانی اسیر ذیونابرابری های اجتماعی شد و بجرم آن گناهان که هرگز نکرده بود چنان محکوم گشت که

سده های در از بی منطقی ز ما ن را از نا گزیر ی به مثا به یگا نه منطقی
زما ن بر شمرد .

به شهادت افسانه های مذهبی اسیه همان زن بود که حضرت موسی
را از نیل گرفت و پرو رش داد. (اوپولینه) در ا سکندریه بعثت
ایمان آوردن بر مسیح (۲۴۸ ق م) در شعله های آتش زنده سوخت .
و تاریخ اسلام شاهد است که (رغضه) دختر نمرود از او لیکن
زنانی است که اسلام آورد و هر چند با سنگ های آتشین داغ خورد
ولی از عقیده ای خود برنگشت تا آنکه جان داد. دو کنیز حضرت عمر
(رض) بئامهای (لبینه) و (زئیره) به گناه پذیرفتن دین اسلام توسط
هما حبش آنقدر شه لاق خورد که خون از تنش فوران میکرد .

اما از عقیده ای خود برنگشتند (سمیه) کنیز ابو جهل نیز به گناه اسلام
آوردن سر نیزه ابو جهل را در سینه خود پذیرا شد و از عقیش کشیده
شد باین همه رشادت ها و قربانی ها چرا زن محکوم گشت
و از صف تساوی با مردان بیرون رانده شد . مگر نه آنست که
یهودیت زن را به حیث مال و متاع شناخت و انبیا عسرائیل در تعلیم
زن توافقی نکرد ه اند . از نظر انجیل زن و مرد نا برابر خوانده شد
زیرا مرد صورت خدا وزن غیر از آن بود .

(پولس) در رساله که به (تیوشاو) نوشت اشتباه زن را
چنین تصریح کرد ((لیکن مناسب نیست که زن تعلیم بگیرد و یا
(بر) مرد مسلط شود بلکه باید بطور همیش زن خموش یا شد
چرا که آدم تابع اغوا نشد بلکه زن اغوا کرد از او اشتباه (سرزد))
(۱).

آئین مسیح هر چند به طلاق اجازه نداد و حکم موسی را مبنی
بر طلاق از قصی القصب بودن او شمرد ولی جالب توجه است

۱- زن از نظر تاریخ و شرایع، مجله میرمن شماره های ۸-۱۰ سال

۱۳۴۸

که ((در کنفرانس ماکسون (۲۵۸) میلادی این مسأله مطرح شد که آیا زن انسان است یا خیر؟ پس از مناقشه زیاد با اکثریت کشم تصویب شده که زن انسان است)) (۲) اگر از دین مقدس اسلام که مقام و منزلت زن را از چارچاق گذشته بگذریم در مذهب جینزم که یکی از کهنسالترین مذاهب هندی است (زن منبع شر خوانده شده است) و دریفا که عقاید از همین گونه به آثار ادبی و اذهان خلقهای مانیز در دیرین زمانها رسیده است چنانچه بر خسی حکایات کلیله و دمنه و ضرب المثل های از قبیل ((منزل قلمرو زن است)) و یا این ابیات که میگویند:

((اگر نیک بودی سرانجام زن زنان را مزن نام بودی نهن)) (۳) نا گفته نپاید گذاشت که همان ادیان که نظریات ناسازگار با سر نوشت زن داشتند نیز گساده گزیر به تغییر عقیده شلده بر حسب ضرورت و یا بر سبیل احترام مقام و نقش زن را معترفی گشته و مردان را به مراعات حرمت زن مکلف ساخته است چنانچه در ((تلمود)) آمده است:

((زنان تا نرا اکرام کنید چرا که آنها منبع حقیقی برکت اند و مانند خود آنها رادوست داشته باشید و بلکه آنها را بر خود ترجیح دهید که آنها آرا مش را در خانه تان جاگزین میسازد)) و نیز در آیین حضرت موسی آمده است ((اگر زن زینای در جنگ اسیر شود، صاحبش میتواند با او ازدواج نمود و یا آ ز ادش کند اما فروش آن در برابر طلا و نقره منع قرار گرفته است.))

در جامعه هند قدیم هر چند انواع مجازات و شکنجه ها از

۲- زن از نظر تاریخ و شرایع مجله میر من شمار ۵ دهم سال

۱۳۴۸

۳- نقل از کتاب انسان النسا ن

قبیل غرق ساختن در آب ، گوش و بینی و لب و غیره بریدن ،
زیر پای حیوانات انداختن ، باسکان پار و پار کردن ، سنگ
سار ، در آتش زدن و سوختن بدن معمول بود و هر کدام را رنگ

مذهبی و روایتی بخشیده است اما بر عکس در ((مها بها را ته))
میخوانیم : «سه چیز الوده نمی شود : زن ، گوشت و آب» طبق
هدایت این کتاب مقدس زنان نباید کشته شوند ، کشتن یک
زن به اندازه یک گاو یا یک گاو و گوسفند دوازده ... زن نان ،
گاو نان و برهمنان بها بد با اسلحه کشته شود . (۴)

عقاید دورانهای برده گوی و ماقبل برده گوی و اندیشه
قرون وسطایی با همه سرسختی و پلایه داری و ناپایداریش در
برابر این واقعیت بتدریج سرفروخته و رده که اگر زمینه های لازم
برای رشد استعداد زن و عرصه ایفا ی نقش فعال اجتماعی برای
این نیمی از پیکر جامعه مهیا گردد و زنجرهای اسارت مادی
و معنوی از دست و پای آنها برداشته شود نذرتان برابر مردان بوده
میتوانند . کلو پا ترا حکمروای مصر و خواهرش ار سینو یه فرمانروای
قبرس بود و موج از حوادث تاریخی را هدایت و استقبال
کردند . آذر می دخت دختر پرویز ساسانی شاه ایران بدون آنکه
وزیری داشته باشد با لهابا حسن کامل حکمروائی کرد . میگویند
زنان اسلام در جنگ های احد ، بدر ، خیبر حنین و غیره با کمال
رشادت به محاربین آب میرسانند ، نذ طعام را طبخ و توزیع میکردند ،
به انتقال و تداوی مجروحین همت گذاشته به شهدا قبور میکشیدند
و در داغ ترین عرصه های جنگ تیرها را جمع آورده به سپاهیان
خود میرساندند و آنان بودند که عساکر را بمحاربه تشویق

۴- کفر زنان در هند قدیم . ساسانگاشکار پوری ترجمه آصف
فکر ت مجله کسول سال دوم شماره پنجم

و تشجيع نمود و حسب ضرورت به مقابله میسر داشتند و شمار زن
دانشمند، سخنور و ادیبان را در روز منتهی زنده و متصرف و
جنگجو و سیاست مدار نیز در تاریخ کشور و ملو جهان اندک نبود.
است، اما یا همه این ناکرده گنایه هزاران سال کفر و سنگین تن
داده و بی منطقی محض زمان رویه حکم فر هنگ مسلط تحصیل
داشته اند. اگر از قرون وسطی که سیاه ترین دوران اسارت
زن است بگذریم حتی در دوران رشد و گسترش مناسبات تولید
بورژوازی که امید ی برای تامین حداقل آزادیها و دموکراتیک
به اصطلاح مدنی میرفت باز هم نصیب زنان نه چنان بود که
این نظام بتواند بر خود بیاید. باری در اواخر سده هفدهم
(۱۶۹۱) میلادی به زنان ایالت ماساچوست ایالات متحده امریکا
حق اشتراک در انتخابات پارلمانی داده شد اما هنوز سده هجدهم
بیا یا نشانی نرسیده بود که این آزادی دوباره محدود گشت.

فرانسه را که زمانه میسر و انقلابات دموکراتیک و مبارزه
برای حقوق بشر میسر شده در ۱۷۸۸ کند رسیده سیاستمداران
نامی آن کشور تقاضای شامل شدن زنان را در سیاست پیش
کشید و لی یا مخالفت های بزرگی بر گشت. انگلستان که روز
گاری خود را پیام آور تمدن محسوب میداشت فقط در سال
(۱۷۹۲) مری و گستون رئیس نهضت زنان آن کشور جرئت کرد
تا نشریه را برای زنان آن کشور تقاضا کند.

سال (۱۸۴۰) ((انجمن تساوی حقوق)) در ایالات متحده امریکا
که به ظاهر متضمن تساوی زنان با مردان بود پایه گذاری شد.
اما در عمل چیزی قابل ملاحظه نصیب زنان این پیشرفت
کشور سرمایه داری جهان نگردید. نهضت زنان بیشتر و گرا
در سال ۱۸۵۹ سر بلند کرد و از سال ۱۹۱۰ روز بین المللی همبستگی

زنان به پیشنها دگلا را زتکین درد و مین کنگر • بین المللی زن نان
 سو سیا لست در دنفار که پذیرفته شد و این روز به یاد بود قربانیان
 اعتصاب (۸) مارچ سال ۱۸۵۷ کارگر زن نان مو مسسات بافنده گی
 و نساجی نیو یار که اساس نهاد شد . رو یداد های یاد شده و
 او ضاع و احوال کنونی جهان شنا حد این مدعا است که مسئله
 تا مین تساوی حقوق زن و مرد بجز در جوامع سو سیا لیستی
 که زیر بنای استوار یافته است در سایر کشور های جهان همچنان
 از محدود قوانین ، اصول نامه هاو لوایح بیرون ز رفته و این امر
 بدون شك همه زن نان جهان را به همبستگی و سیع جهانی فرا
 میخواند .

تا آنجا ئیکه به زن نان افغانستان ارتباط می گیرد
 بدون آنکه لحظه به مبا رزات طولانی صنفی آنها کم بها داد و آنرا
 در چارچوب تنگ نظری های معین ایدیو لوژیک قرارداد باصراحت
 میتوان گفت که سالهای دشوار انقلاب میتواند بزرگترین در مس
 باشد مبنی بر اینکه تا عا مل اساسی نابرابریهای اجتماعی ، اقتصادی
 در نتیجه پی گیری مبارز • برای ترقی اجتماعی از میان برداشته
 نشود رسیدن به آرمان تساوی حقوق و تا مین آزادیهای دمو -
 کراتیک برای هر یکی از اقشار و اصناف اجتماعی کشور نامتحمیل
 خواهد بود .

در این رساله که سیمای زنان افغانستان با کارو مبارز •
 و شکست و پیروزیهای آنها در طول مند • های پیش از انقلاب
 و دهه انقلاب مطرح است امید به آن داریم که این تلاش نخستین
 با همه کاستی هایش مثمر ثمری بوده باشد .

فصل اول

بخش اول

مقام اجتماعی زنان در اریانای کهن

الف - دوره ویدی :

با مراجعه به آثار باستانشناسی کشور و پژ و هش های تاریخی که درین زمینه صورت گرفته آثار تمدن های باستانی این خطه جهان قدامت چندین هزار سال را نشان میدهد که آثار باستانی دوره کور بدخشان ، مندیکک ، دیمراسی ، هزار سم سمنگان قره کمر خرابه های سیستان و امثال آنها همدعا می باشد اما ازین آثار دشوار است به راز زنده گی و موقع اجتماعی زن و دور انهای تسلط و فرو پاشی نظام ما در سالاری آنچنان که باید پی برد. در میان ابزار بدست آمده از دوره کور بدخشان یک مجسمه گرد سنگ چونه ئی که بصورت غیر منظم مانند شکل زن ساخته شده به دست آمده است . این مجسمه که شاید یکی از ارباب

النواع این منطقه بوده و نیز میتواند مجسمه بانوی باشد که الهه حاصل خیزی شمرده شده به صورت فرضی و جود بقایای نظام مادر سالاری را در اوج نظام طایفه نشان میدهد. (۵) چون آثار تاریخی این منطقه نزدیک به پنجاه هزار سال قبل از میلاد تخمین شده و طول این مدنیست صخره‌یی و نیز تاریخ ساختن مجسمه بدست آمده معلوم نیست دشوار است برو جود نظام مادر سالاری باقید تاریخ حکم کرد. برخی شواهد دیگری باستانی در کشور نشان میدهد که نظام طبقه‌بندی در کشور ما در نه هزار سال قبل از میلاد بتدریج شکل گرفته و آثار آن از خرابه‌های سیستان مشهود است لذا نظام مادر یا رکال یا مادر سالاری ناگزیر باید مدت‌ها قبل درین سرزمین پائین یافته باشد.

بهر صورت قدر معلوم این است که دسترسی ما به واقعیت‌های تاریخی قبل از تمدن‌های ویدی و اوستائی هنوز نامکمل و قابل بحث و تأمل است آنچه از این تمدن به سلسله‌تدوین سروده‌های مذهبی که جمعا بنام (ویدا) شهرت یافته و شامل چار کتاب بنام‌های ریک ویدا، یجور ویدا، انهروا ویدا و سماویدا است و تاریخ سرایش آن به یک و نیم تا دو هزار سال قبل از میلاد میرسد، سیمای جامعه در آن ویژه‌گیهای کامل جا معه منقسم به طبقات متخاصم اجتماعی رانشان میدهد. گرچه این دوران اگر با فرض آنرا مرحله شکل‌گیری و پخته‌گی نظام برده‌گی حساب کنیم به هیچ‌گونه شدت نظام برده‌گی روم یا یونان و شدت تقسیم طبقه‌بندی جا معه هندی آنوقت رانشان نمیدهد. با آنهم مواضع اجتماعی مردم بر حسب

۵- نالغانی- نورالله: افغانستان ما قبل آریائی ها کابل (۱۳۶۱).
صفحه (۲۰۸)

موقعیت طبقاً تی آنها مشخص گشته است. از سرود ه های
 ویدی در قبال موقف و مقام زن در جامعه و خانواده بصراحت معلوم
 میگردد که زن را درین دوره حرمت گذاشته و در اجرای قر با نیها،
 بخش سرود های مذهبی، اجرای مراسم قر با نی و عبادت ها با مرد
 فرقی نداشته است و چه بسا که به احترام گذاشتن زن تا کیده های
 مکرری شده است چنانچه در سرود ویدا درین رابطه میخوانیم:
 ((زن را خدا برای عشق آفریده است)) از زمانه های دور تا کنون
 زن با پیش کش کردن قر با نی ها و بخش قوانین مذهبی تو جه کامل
 داشته و زن است که قانون مقدس را نگهداری و پرورش میدهد. (۶)
 سرود گران ویدی که آنها را ((ریشی ها)) می نامیدند
 زنان را نیز شامل می شدند و همین ریشی ها در عین زمان نوع
 رهنمایان جامعه و خانواده نیز بوده اند و فرهنگ مسلط جامعه
 را تحمیل میکردند. به این اعتبار میتوان گفت که زن در تمدن ویدی
 مقام و منزلت یکسانی با مرد داشته است. با آنها ویلها م گایگر
 دانشمند المانی به این باور است که «مرد در خانه خود حکمران»
 ملك و فرمانروای کوچك است و زن طبعاً باید مثل اولادها و سایر
 اهل خانه را ضعیف و فرمانبردار و باشد ولی مرد به هیچ وجه زن
 را بدیده حقارت یا کنیز و خدمتگار بودن نمینگرست بلکه او را
 غمخوار و مؤسسان میدانست. (۷) باید گفت که خانواده هسته
 اجتماع آریایی است زن در گسی خانواده با از دواج آغاز میشود.
 پدر رئیس روحانی و اداری خانواده است. اما زن خود مقام و منزلت خود
 را داشت چنانچه ویسو امیترا ریشی بزرگ میگفت که:

۶- به نقل از مجله کهول شماره دوم سال اول صفحه اول ۱۳۰ ه ش

۷- به نقل از مقاله عبدالروف بینوا- رساله زن گرد آورنده

نوایی چاپ مطبعه عسکری صفحه ۱۹۴.

((زن خانواده است)) از دوا چئمره عشق دو جانبه محسوب

میشود. (۸)

در جامعه آریایی که آنوقت پدر بنام (پا تی) یعنی با دارصاحب و مالک بود و مادر بنام پیتری به معنی غذا دهند و شناخته شده بود و نیز اشارات هست که پدر غذا دهند و مادر تقسیم کننده غذا شناخته میشد. در تسلسل نام گرفتن ها نام مرد اول و نامهای زن بعد ذکر می یافت و خواندن سرودها و قربانی هانیز در خانواده کار پدر بود. ولی زنان شاعر و ریشی درین زمان اندک نبودند. در مجالس سبها که به عوام مربوطه بود و شبه جرگه های قبیلوی کنونی است اشتراک زنان محسوس بود. است. در مجموع زن درین دوران هنوز اسیر چار دیوار خانه نیست و در مزارع، چراگاه ها و حتی بازیهای مشترکی که آنرا سامه میگفتند زنان و مردان یکجا اشتراک داشتند و گردشهای جوانانعم از دختران و پسران از هم جدا نبود. این امر در سرودها به نحو یستایش نیز شده است چنانچه در سروده ای می خوانیم ((جوانان صدای دو شیزه گان را چنان می پسندند چنانکه رب النوع ستایش خود را از زبان بشربشنود)) (۹) در سرود دیگری میخوا نیم ((زن به آن اندازه برای مرد ضروری است چنانکه (تسمه) برای کمان)) (۱۰) از خلال سروده های ویدی به صراحت بر میخوانیم

۸- کهزاد احمد علی تاریخ قدیم افغانستان جلد اول بزبان پشتو کابل ۱۳۳۴.

۹- تاریخ قدیم افغانستان صفحه ۱۵۳ متن پشتو.

۱۰- تاریخ قدیم افغانستان صفحه ۱۵۴ متن پشتو.

که در هنگام عروسی مرد خود را آسمان و زن را زمین میدانست و اینرا محرک علاقه مندی به باروری و آوردن طفل تصور می کردند . به شهادت تاریخ آریایی ها نخست يك زن میگر فتند اما بعد از مهاجرت ها که از (۱۵۰۰-۲۵۰۰) ق.م آغاز یافت تعدد ازدواج در آنها معمول گشت .

با اختصار میتوان گفت که زن درین عصر شعر میگفت ، به میدان های قربانی و بازیهای مشترک می آمدند به ار باب انواع سرود خوانی میکردند و منزلت شان باریشی های مرد یکی بود . شهزاده (خانم گوشا) که اشعارش در سرود (۱۱۷) کتاب اول ریک ویدا آمده ، (لوپا موذا) که سروده هایش در سرود ۱۷۹ همین کتاب درج است (ماما تا) (پالا) ، (اندرانی) ، (ساشی) و دیگران همه از همین شاخه ان مشهور زن بوده است . اینک بخشی از سرود ه خانم گوشا را بر سبیل نمونه می آوریم ((ای اسون (ستاره های صبح) عراده شما که سر یعتر از تخیل است ، همان عراده که اسپان دلیر و مست تیز رفتار آنرا با خود میکشد بسوی مردم میدود کجا میروید که منزل لکه پاکان را جستجو کنید .)) (۱۱) در پایان این مبحث باید گفت که زنان و دختران عصر ویدی در کناره کاری باشوهران شان در مقابل با دزدان ، اشتراک در اثنای مشترک و وظیفه بسیار عمدی که داشت کشیدن شیر به نام سوما یا هوما بود که شیر به سخت کیف آوردن داشت در یکی از سرود ها درین زمینه آمده است ((دختران دیوانوات یعنی رب النوع آفتاب طلوع کرده یا ده تن دو شیر گان * که همه با هم خواهر اند شیر سوما را می کشند)) .

۱۱ - تاریخ قدیم افغانستا (صفحه ۱۵۸) متن پشتو .

* - مراد ده تن پوشیزه گان ده انگشت است .

ب- تمدن او ستا ئی :

تمدن او ستا ئی ادا مه همان تمدن قبلی در آغوش جا معه آریایی است که از هزاره اول قبل از میلاد آغا زیافته است. در زنده گی زنان این دوره تغییر جدی و قابل ملاحظه ای محسوس نیست زیرا زنان همچنان در امور اجتماعی و فرهنگی آنوقت با مردان سهم داشته و در خانواده نیز از حرمت و اعتبار برخوردار بودند. از دواج نکر دن در عصر او ستا ئی هانوع عیب اجتماعی شمرده شده تقاضای نامزدی هر چند توسطه پدر و مادر صورت میگیرد ولی دختر و پسر هر دودر انتخاب از حق معین بهره دارند. جالب است که زن و شوهر که بنا مهای نانویا تهی و نا نویی تی یاد میشود دهر دو راضا حب اختیار خانه نشان داده اند. این امر خود نشان دهند تداوم سنت تساوی مرد و زن بوده است. (۱۲) اشتراك زنان در مراسم مذهبی باو سعت ادا مه یافته آنچه درین عصر مورد توجه است اینست که شوهر به شدت از زن تقاضای عفت و پاکدامنی را داشته کوچکترین سهل انگاری درین زمینه منجر به طلاق میشود است. گرچه در او ستا صراحت معین دیده نشده است ولی تعدد زوجات معمول بوده است.

در آیان یشت در توصیف از زنا* هید سیجای یک زن چنین به تمثیل گرفته شده است: ((دراوست زنان جوان و خوش اندام و بلند بالا و زیبا چهره آراذه، نیکو سرشت با بازوان سفید ستبر که کمر بند زین تنگ به میان بسته در گردونه خود نشسته لکلم چهار اسپ سفید گردونه را به دست گرفته، اسپهای که باد و

۱۲ - تاریخ قدیم افغانستان صفحه (۳۸۹)

* ناهید یا لانا هیتا الهه باران و ژاله است.

ابرو باران و ژاله اند تاجی که مانند چرخ که بر آن صد گوهر در خشان در نشاندند شد و بسردارد و از آن تاج نیز نواره های پرچین فرو هشته ، طوق زرین به گردن انداخته و گوشواره های چهار گوش به گوش آویخته کفش زرین خود را با بند های زرین بر پای استوار کرد و بلندترین جایگاه آسمان نشستگاه اوست آهو را مزدا ناهید از فراز آسمان باران ، برف و ژاله را فرو میبارد . از اثر استغاثه پرهیزگاران نطفه مردان و شیمه زنان را پاک کند و زایش زنان را آسان سازد . « (۱۳)

این تمثیل هنری دژیک سروده مذهبی که زیبایی و قدرت اله را درسیما ی زن مجسم میکند خود بیانگر اعتبار زن در جامعه اوستایی است در این دور نیز از زنان تان بادیانش و به شهرت رسیده نیز نامهای باقیست که پوروچیستیا پیوره چیستی (پور و چیستی) یا (پورا چیستا) به مراتب در او یستا آمده است باید گفت که پثو رو به معنی پوره و کامل و چیسته به مفهوم دانش و پژوهش آمده و در ترکیب هر دو معنی دانای کامل یا پر دانش را داشته است گویند این زنی بادیانش دختر زردشت یگانه همسر جا ما سبو مادر جوانی دلیری بنام گرامی است . (۱۴)

ج- سده های ما قبل اسلام :

جامعه کهن آریایی با هجوم هخامنشی ها دستخوش حوادث و تغییرات بزرگی شد . این تنها جماعت قبل از همه فضای صلح آمیز و آرامش نسبی و طولانی را بهم زد و جامعه خاموش و آرام

۱۳- به نقل از افغانستان ماقبل آریایی ها صفحه (۲۰۸)

۱۴- مجله کهول سال اول شماره دوم آریایی ها ۱۳۵۵

آریایی را تکان سخت بخشید. از قرن ششم قبل از میلاد (۵۴۵ ق. م) که نفوذ بیکانه گان در کشور کهنسال آریانا آغاز گشت همراه با آن مناسبات برد هگی رفته، رفته، در بطن خویش نطفه های مناسبات تولیدی فیودالی را میداند داده غصب زمینهای حاصل خیز، چراگاهها و دسترسی به منابع آب بیشتر جامعه را به کشمکش های داخلی فراخواند. در مقابل با هخامنشیان و بعدها در پیکارهای سخت با یونانیان بدون شرط زنان نیز سهم داشته است زیرا دفاع از هویت ((ملی)) و منافع طایفوی و قبیلهای زنان را به مقابل با دشمنان بخود فرا میخوانده است. همراه با تشکیل دولت مستقل یونان و باختری در قرن سوم قبل از میلاد جای افکار رواندیشه های مذهبی زردشتی با فرهنگ و متا - لوژی یونانی از یک سو و اندک بعد با نفوذ سلسله موریا یی های هند، نفوذ مذهب تسکین دهنده بودایی از جانب دیگر تعویض گشت. ولی در همین دوران هنوز تعصبات شدید مذهبی و فرهنگی غلبه نداشت. ادیان و عقاید مختلف در کنار هم میزیست و اشتراک زنان در معا بد و تعمیم اندیشه های مذهبی هنوز زنده بود و همچنان از باب النواع یونانی و زردشتی و بودائی انا هیتا، اپولون و بودا در جوهر هم قرار می گرفتند. به قول احسان (طبری) یونانی ها در شهرهای یونانی در جمله مراسم مذهبی پرستش گاهنه بزرگ (ملکه) را انجام میدادند (۱۵) از قرن سوم قبل از میلاد تا قرن اول میلادی که هنوز نظام برده گی و اسپین دوران حیات خود را طی میکرد قرار شواهد تاریخی آنچنانکه قبلا گفته شد برده گی درین کشور بیشتر خصلت برد هگی خانگی را داشت.

از نیمه اول قرن اول مسیحی دولت مقتدر کوشانی که مبنای برده گی داشت جایگزین دولت های قبلی گشت. ساحت اقتدار و

حکمر وائی این سلسله بزودی تا کرانه های سند پیش رفت و به امپراتوری بزرگ مبدل گشت، در حالیکه ادیان قدیم نیز در گوشه و کنار پیروان داشت. تعصب مذهبی را چندان راهی نبود اما شاهان (امپراتوران) کوشانی مخصوصاً کنشکا کبیر سخت به مذهب بودایی دلبست که این امر میدان نفوذ مذهب بودایی را در کشور ماو سعت بخشید.

در آثار باستانی بگرام تصویری بدست آمده که روی قطعات عاج بشکل دوزن است که آنها را به صورت یاکشی یاد کرده و عبارت از الهه است که در زیر مدخل یادروازه باستانی معبد (توران) استاده یا کشی از اهمیت عبادتگاه مذکور در بگرام نماینده گی میکند.

صحنه دیگری هم يك ندیمه را با کنیز خدمتگار او در يك مجلس نشاندن میدهد این صحنه نگاری به سالهای قبل از (۷۹) مسیحی میرسد. همچنان در قطعات عاج دیگری نیز زنان دیده میشوند که پیکرشان به شکل خیلی جالب جلو داده شده در بین قطعات عاج زیبائی اندام چنان بصورت طبیعی جلو گر شده که با هیچ يك از صورت نگاریهای قبلی قابل مقایسه نیست و دانشمندان را عقیده بر آنست که این کار به دوره کنشکا کبیر ارتباط میگیرد. در همین بگرام قطعات دیگری از عاج بدست آمده که در آن زن زیبائی بر يك شیر بالدار سوار بود و شباهت تام به هیكل تراشی (ما تور او ما راواتی) دارد. این تصویر به قرن سوم مسیحی نزدیک است. و نیز در معبد بودایی فندقستان چهاردهی غور بند مجسمه یافت شده که زن جوان و زیبایی با تنای هر چه تما متر خودش را به نمایش گذاشته است این مجسمه (دیوانا) که از گل خام ساخته شده با سینه های برجسته و اندام موزون و رُست پر نیاز اوزبائی خاصی دارد که خطوط تخیلات باطنی و زیبای برانگیز

در دست ها دید ه میشود . (۱۶)

از مجموعه شواهد یاد شده تاریخ باستانی معلوم میگردد که هنوز زن قدر و منزلت داشت و تاسطح پرستش احترام گذاشته شده . محصور چهار دیوار خانه و حجاب پوش نگشته است . و تا آن هنگام که مناسبات تولیدی فیودالی بارو بنای مربوطه به آن جان نگرفته بود و وضع زنان و مردان در بسی موارد تساوی معین رانشان میداد .

تاریخ گواه بر آنست که در عصر کوشانی ها موسیقی ورقص منکشف بود و زنان در آن نقش داشت چنانچه در تصاویر رنگه بامیان در کنار مرد ها و وسایل موسیقی زن ها نیز با پیراهن های دراز و تنبان پوشیده که رشته از مهره ها به گردن دارد دیده میشود (۱۷) از یک تا بلوی زیبای بامیان معلوم میگردد که در یک صحنه در کنار هارپ بزرگ دوزنی زیبا نشسته و با انگشتان نازک خود بر تارهای آن بازی میکند صحنه فوق نیز به عصر کوشانی ها ارتباط میگیرد . (۱۸)

همچنان در مجسمه های این عصر که در سال (۱۹۶۴) در هفت کیلومتری جنوب بگرام در پیتاوه دریافت شده در آن یک گروپ هشت نفری دور بودیتس (اتوا) یا (میتریا) نه حلقه زده و نشان میدهد که زنان و مردان یکسان دین بودا را پذیرا شده و زنان بدون ستر و حجاب در کنار مردان به عبادت نشسته اند .
به قول مولف ((افغانستان بعد از اسلام)) در قرن هفتم

۱۶- محمد اسحق ابراهیمی مراکز مهم بودایی در افغانستان
کابل ۱۳۶۳

۱۷- میر غلام محمد غبار افغانستان در مسیر تاریخ ۱۳۶۴
مطبعة دولتی صفحه ۵۲

۱۸- تاریخ قدیم افغانستان متن پشتو جلد سوم

میلادی زنان در خراسان اهمیت زیادی داشتند که درآز منه ما بعد
فاقد آن اند. آنوقت زنان به موجب قانون حق اشتغال مقام شاهی
را داشته است. چنانچه پوران دخت بیست و نهمین شاه خاندان
ساسانی واذرمی دخت پادشاهسی و یکمین این دو دمان شاهی
اند که حدود ۶۳۰ م - ۹ ه به شاهی رسیده اند.

در شمال خراسان در شهر بخارا در حین نفوذ اعراب نیز
ملکه حکم میراند که بعد از فوت شوهرش بجای تغانشاه پسر
شیرخوار خود مدت (۱۵) سال حکم راند و با فاتحان عرب صلح
کرد حدود سال (۱۰۰ ه) زنده گیداشت. همین اثر به حواله یاد -
داشت های هیوان تسنگ ز ایرچینی می افزاید که درین دوره از -
دواج طبقات عالی باطبقه ناملوس ممنوع بود و نیز ازدواج با خو -
*یشاوندان ممنوع بوده وزن فقط یکبار ازدواج میکرد.

در جامعه زردشتی تعدد ازدواج معمول بود و هر کس به قدر توان
مالی زن میگرفت (کذک خدای) یعنی کدخدای از جمع چند زن
یکی را کذک بانو یعنی کد بانو میخواند این کدبانو را زنی
(پادشاه بیما) میخواند و پانینتراز و خدمت گار (زن چکاری ها) بود
که هر کدام حقوق جدا گانه داشتند و بعد زنان قسم سوم که
زر خرید و اسیر جنگی بود ه اند هر دو به شوهر حق نفقه داشتند از
اولاد زن خدمت گار فقط پسر آن شامل خاندان می شدند تزویج
محر مات نیک و وسیله رحمت و کفاره کبایر شمرده میشد...
از دواج در (۱۵) سالگی شروع میشد پدر حق تحمیل ازدواج
بدون رضای دختر را نداشت و شوهر زن را مطابق یک سند
قانونی بنام (ویندا یسنه) در مال و منال شریک میساخت و اگر
طلاق بدون خواهش زن صورت میگرفت زن حق تصاحب اموال

* - منظور خواهان و برادران است.

مر بوطه به خود را داشت درجا معززد شتی همین دو را نه
 بر خی از مردان یکی از زنان خود را به شخص مستحق
 دیگر به عنوان همدردی و کمک میداد اگر در این مدت ازدواج
 عارضی (نوع صیغه‌یی) فرزندان زن پیدا میشد به شوهر اول ارتباط
 داشت این نوع از دواج در تحت یک معاهده انجام میشد. در ازدواج عادی
 زوجین را (شوژ زن) میگفتند در حالیکه در از دواج کمکی و همدردی
 شوهر را میرک و زن را زیانک می خواندند. کدبانو و اولادش
 میراث مساوی میبردند در حالیکه زن خدمتکار و اولادش سهم در
 تر که نداشتند، الی در صورتیکه متوفی هبه یا توصیه میکرد.
 اولاد که از کدبانو زناشوئی میکرد، نیم حق مستحق میشدند. (۱۹)
 تصویری را که مورخ شیرگشور استاد عبدالحی حبیبی از
 زنده گی و مقام زن در سده های ماقبل اسلام و سده هفتم میلادی
 که سده آغا زنفوذ اسلام نیز است داده، نشان میدهد که برای
 نخستین بار به وضوح تفاوت های زیادی بین زن و مرد و حتی
 زنان از طبقات عالی و طبقات زحمتکش ایجاد شده است و تیره
 کراسی شکل یافته به تدریج قدر و منزلت زن را محدود ساخته است.
 نفوذ شخصی زنان خانوادها ی حکمران و تصادفات از نوع آنکه گام
 وارث مردینه در صفات بود یکی دو نمونه از حکمرانی زنان
 رانشان میدهد اما این پدیده عام و بیانگر آزادی زن نبود است
 درین دوران قصه های از زنان و پهلوان و حماسه آفرین چون
 گشسپ یا گو شسپ نامه از زنان نامدار پهلوان نخبه سیستان به
 چشم نمی خورد میگویند گشسپ نامه از دختران رستم زال جهان

۱۹ - عبدالحی حبیبی . افغانستان بعد از اسلام بخش دوم

جلد اول کابل ۱۳۵۷

پهلوان بود و منظومه بزرگی نیز در طی نهصد بیت بنام (با نو -
 کشسپ نامه) از و با قیست که يك نسخه آن در موزیم پاریس و
 نسخه دیگر آن در کتابخانه لندن است . ژول لیهول مستشرق فرانسوی
 از روی همین منظومه که در قرن ۱۵ ه در بحر متقارب نوشته
 شده این زن پهلوان وز ورمند را چنین معرفی میکند ... پهلوانی او
 آنچنان بود که به جنگ شیران میرفت و امیران را اسیر و مطاع
 فرمان خود میساخت ... (۲۰)

آثار به یادگار ماند شاهنامه ها و خدای نامه ها و غیره هرچند
 قویاً رنگ افسانوی داشته و تلاش نداریم آنرا یگانه واقعیت
 تاریخی جلوه دهیم ولی با آنهم این آثار کاملاً عاری از مضمون
 تاریخی خود نیستند و میتوانند سیمای از زنان را در دیرین زمانه
 ها نشان دهد .

فصل دوم

بخش اول

۱- زندگی و موقف اجتماعی زنان در سده های میانه

الف- انتقال از بردگی به فیودالی

نخست باید گفت که مراد از سده های میانه همان قرون وسطی که در تاریخ اروپا بان آشنا هستیم نبوده است. هرچند از سده های میانه به اصطلاح تاریخ کشور ما و قرون وسطای اروپائی مضمون واحد فیودالی و نظام پدرسالاری داشته ولی نه از لحاظ تاریخ آغاز و تکمیل نظام فیودالی و نه از برخی ویژگی های دیگر باهم قابل مقایسه است زیرا گذار از نظام بردگی و نظام های فیودالی در شرق و غرب یکسان و همزمان نبوده و شکل گذار نیز تفاوت های را نشان میدهد زیرا قیامهای بردگی در غرب به ویژه در امپراتوری روم با شدت عمل بیشتر همراه بود. در حالیکه در شرق و بویژه در آریانا و خراسان تعیین مرز انتقال از بردگی به فیودالیزم دشوار است زیرا این گذار آنقدر تدریجی و به کندی عمل کرد که حوادث بزرگی را از خود نشان داد.

نداده است، شاید يك علت هم این بود که با شد که شدت نظام برده گي و تقسیم اجتماعی جامعه به طبقات برده و برده دار مرزهای روشن از خصوصیات های اجتماعی طبقاتی محسوس رانشان نمی دهد، به هر صورت قرن سوم و چهارم میلادی رازوال نظام برده گي در کشور ما محسوس داشتند. اما در همان دور که برده گي نیز عقیده بر آنست که برده گي بیشتر خا نوده گي بود و فقط گاه گاه ملاحظات به نظر می خورد که از برده ها در معادن استفاده می کردند. اشارات از این قبیل که میگویند (العبد مافی ید و المو لاه) برده و آنچه در ید مالک است مال او ست (۲۱) عمده تا بعد نفوذ اسلام و اعراب عمومیت یافته است استفاده از برده ها در درز مین و حتی فروش آنها باز مین پدید می آید و های است که از بیرون بر کشور ما تحمیل گشته است با توجه با آنچه تذکر رفته است شدت اسارت زن نیز عمدتاً با شکل گیری نظام فیودالی و تعمیم بنیاد های ایدیو لوژیک آن قوت یافته است.

ب - پذیرا شدن آئین جدید :

جامعه قدیم اریایی که بعد از قرن دوم میلادی رفته ، رفته نام خراسان را با خود پذیرفت در نیمه دوم قرن هفت میلادی در حالیکه خود وحدت فکری، سیاسی و مذهبی خود را از دست داد و بود با هجوم تازه روبرو گشت. این هجوم وسیع و پر قدرت از جانب غرب از صحرای عربستان سرکشید و با فتح امپراتوری نیمه برده گي ساسانی جان یافت و آنگاه لشکریان فاتح عرب بسوی سرزمین مارش کردند.

این مارش بر عکس تصورات هیران آن، در کشور خراسان به مقاومت های شدید و بی مانند مواجه گشت. عقیده مذهبی جدیدی که اعراب با خود انتقال میدادند و در آن مسایل از قبیل آزادی و

برابری و مساوات و امثال آن در سر خط فعالیت فکری مذهبی قرار داشت میتوانست مایه دلگرمی برای توده های مردم باشد و لی با آن هم بقایای افکار مزد سینا، بودایی، نسطوری، عیسوی و امثال آن موانع اندك ایجاد نمی کرد. شکنجه و عذابهای که طی سده های قبلی مردم آریانا و خراسان از تسلط بیگانگان یافته بود و ناگزیر شده بودند که هرگاه و بیگاه برای حفظ رسالت نژادی و ((هویت ملی)) خود به مقاومت های شدیدی پیر دازند به مردم خراسان قوت میبخشید تا اعراب را با سخنان شان بدیده شک نگرسته و به مقابله بپردازند. ازینرو فتوحات اعراب در طی يك و نیم قرن با تحمل تلفات بزرگ درین سرزمین همراه بود. ائین مقدس اسلام درز ما نی وارد سر زمین خراسان گشت که دیگر دوران خلفای راشدین که مشوره بابزرگان در امور، ساده گی درباره تقوی در قول و عمل و مساوات در برابر قانون شرعیت راسر مشق خود داشتند به سستی گراید و تفسیرها و تحویل های جدید عقیده تی شیراز و وحدت عقیده و مسلمین را از هم میپاشید. دولت های اموی خلاف همه اصول شناخته شده مذهبی، نخست از همه مسئله اصیل بودن عرب و عجم و موالی بودن غیر عرب را پیش کشید بهر صورت شعاع عام اسلام یعنی امر ((برادری و برابری)) در خراسان زمین باعکس العمل های مخالف و موافق مواجه گشت، فیو دالها و پول داران که مالکیت شان از طرف فاتحین عرب مورد دستبرد قرار نمی گرفت به مقابله شدید با آنها نه پرداخته و لی فیو دالان محلی که حاکمیت و سلطه خود را از دست میدادند ناگزیر به مقاومت ها، بنا طر حفظ استقلال محلی خود میشدند. برای توده های زحمتکش دین اسلام در موارد زیادی امید رهایی می بخشید و بالقوه از آن حمایت میکردند. فاتحین عرب در تسخیر خراسان و بخش دین مقدس اسلام از راه ها و شیوه های

مختلف استفاده بردند. حاکمیت محلی بر خی را دست نا خورد ه
 ما ند ه تنها به باج گر فتن و چیزی به نام کمک به مسلمین اکتفا کردند
 و بر خی دیگر را بزور شمشیر از پادر آورده و در مواردی هم به
 روابط طولانی آمیزش های اجتماعی میدان داده و با صبر و شکیبایی
 بر تری عقیده وی خود را بر عقیاید و رسوم کهن نشان دادند،
 به گونه مثال تعدد زو جات را حد قایل شده نکاح دو خواهر را که
 در گذشته معمول بود ممنوع قرار داد* .

و هر چند که جمع شدن با جاریه های زیادی را منع نکرد اما در این
 مورد نیز دو خواهر را یکجا ب حیث زنان جاریه ممنوع قرار داد (۲۲)
 و نیز حد محارم را با دقت تعیین نمود .

ج- تسلط اعراب و شدت برده گي زنان:

دین مقدس اسلام هنگام وارد سرزمین خراسان گشت که نظام
 فیودالی و پدر سالاری در آن دوران نضج خود را می پیمود . ایده های نوین
 مذهبی بصورت بالفعل بنیادید یو لوژیک مناسبات تولیدی
 فیودالی را می گذاشت . چون درین نظام اشراف و اعیان و طبقات
 دارا و ثروت مند برای شکوه و عظمت در بارها ، خانه و سرای
 های خود حرمهای بزرگ تشکیل داده و زنانی زیادی را درین
 حرم سرا ها نگهداری میکردند و قیود سخت پدر سالاری حصار
 بزرگ دور آزادی زنان این طبقات واقشا را بالا می کشید .
 اغلب مفسران و تحویل گران مذهبی ناگزیر شدند بر خی از
 عادات ، رسوم و عنعنات جاری جامعه را احترام گذاشته و تصورات
 خود را با آن تطابق دهد . این امر قبل از همه مسا له ((مساوات و

*- نمونه این امر را در دور مسا نی ها در فارس نشان
 میدهند .

برابری)) را در مورد حقوق زن مرد به سکوت و یا حتی گاه به ضرر زنان فراخواند و زن بیش از پیش به اسارت و برده گئی کشا نیده شد. اصطلاحات مستورات و مخد رات و غیره همه اشاره به در حجاب فرو رفتن زنان است. فاحشین عرب که خود از شکوه و جلال در بارهای فیودالهای محلی و زنده گئی پر نشاطه درون حر مسرای ها لذت میبردند اغلباً رسالت خود را فراموش کرده برای ارضای خاطر خود و حکم داران مرکزی شان از سرزمین های شرقی غلام بچه گان و کنیزان زیادی جمع کردند گاه همین زنان اسیر شده در جنگ ها وقتی به دربار های عربی می رسیدند به علت آنکه از یک فر هنگ با النسبه خوب بهره داشتند و از زنان با دیده نشین عرب برتری می جستند بسیاری از خلفای مشهور اموی و عباسی در این زنان پرو رشس یافته اند. بگونه مثال یزد بن ولید اموی (۱۲۶-۷۴۳) از بطن زنی بود که قطیبه او را از صغد شمال خراسان به غلامی گرفته بود و آنرا به حجاج فرستاده و حجاج او را به ولید بن عبدالملک داد. روایت است که عبدالله بن طاهر فو شنجی چار صد و شیزه جوان را از خراسان به خلیفه بغداد فرستاد و در حالیکه او چار هزار جاریه مدخوله دیگر هم داشت. (۲۳)

مرجیله مادر مامون الرشید نیز دختری استاد سیس بادغیسی بود که بعد از قتل استاد سیس بدست هارون افتاد و با وی عقد نکاح نمود و مامون از او پیدا شد. و مادر جعفر برمکی را چار صد کنیز و شیزه جوان بود و رشید خلیفه دو هزار جاریه داشت و ازین جوانی بر خی چنان بودند که قیمت شان به یک میلیون دینار میرسید. جعفر برمکی خود کنیزی را به چهل هزار دینار خریده بود. (۲۴) کشمکش های

۲۳ - افغانستان بعد از اسلام بخش دوم جلد اول صفحه ۶۱۷

۲۴ - همان اثر به حواله تاریخ تمدن اسلامی.

داخلی و تداوم مقاومت با اعراب که شکست‌های نیز در پی داشت
 برای زنان نه تنها آن امید ((به مساوات و برابری)) رابه یا سر
 مبدل ساخت بلکه مصونیت زنده گی عادی اجتماعی نیز در
 خلال این کشمکش هابر هم خورد. با آوردن نوع فیهودا لیزم
 مشروط تو سطه اعراب توده های دهقانی و همراه با آن زنان
 زحمت کش بیشتر به کارهای تولیدی و خدماتی توان فرسا
 گرفتار آمدند زیرا آنها با یدبار سنگین استثمار فیهودا لی
 و حاکمیت حکمرانان عربی که خود گاه به بزرگترین پولداران
 مبدل شده بودند میکشیدند بازارکنیز و غلام که گاه از کشورهای
 همسایه آورده شده و به دربارهای عربی فرستاده میشدند و گاه از
 سرزمین خراسان اسیر میگشتند بیش از هر وقت دیگر درین دوره
 شدت یافت وزن را به برده گی و بی چیز ی حقارت و حتک حرمت
 کشانید .

د - تعمیق مناسبات فیهودالی و پیا مدان در زندگی زنان :

استیلای عربی به صورت مستقیم به سطح مجموع کشور دیری
 نپایید . سیاست های تبعیض طلبانه آموی ها بیدادگری و عدول
 صریح از اصول شریعت اسلامی درین دوره اختلافات درون خلافت
 تحکیم و اجبار ، تحمیل مالیات سنگین و تلاش دیوانه وار برای
 کسب غنائیم و برده ها از طریق جنگ و عوامل ازین گونه مردم
 خراسان را مجبور ساخت که دست به قیامهای ضد بیگانگان
 واستبداد حاکم در کشور زد راه رهایی خود را جستجو کنند .
 باقیام ابو مسلم خراسانی در اوایل قرن هشتم میلادی
 گرچه سلطه اعراب با انتقال قدرت از خلفای اموی به عباسیان
 قسماً پایانی یافت ولی دولت عباسی که از روحیه آزاد یخواهی

عا ملین اصلی این قدرت خدا دادگاهی داشتند بزودی با خدعه
 و نیرنگ وارد کار شده و باکشتن نا جوا نمردا نه ابو مسلم
 خراسا نی ظاهرآ به قیام خراسا نی ها ضر به سنگین وارد آ ورد .
 ولی نیروی اصلی و محرک اساسی این قیام که در خواست
 ضد استبدادی و ضد عربی توده های و سیع مردم نهفته بود بزودی
 بنیاد قیامهای پیاپی و وسیع خلقهای خراسان را گذاشت.
 چنانچه نمونه های آنرا در قیام فیروز سنیاچ ، استامسیس ،
 حکیم مقنع ، مرزبان قیام یوسف ابرام هراتی ، حصین یا حصین
 سیستان و امثال آن دیده می توانیم . درین قیامها که قسمًا
 جنبه های دهقانی نیز داشتند و علیه فیو دالهای محلی اله دست
 اعراب نیز سیر میکرد در کنار مردان اشتراک زنان رانیز شاهدیم
 چنانچه در قیام حصین سیستان که در حدود سال ۱۱۷ هجری به
 وقوع پیوست بعد از آنکه از هر دو طرف افراد زیادی کشته شد
 خانم حصین سیستان نیز وارد معرکه شده و تا آخرین نفس هابه
 جنگ و مقاومت ضد عربی ادا مهاد تا آنکه جام شهادت نوشید .
 با آمدن حکومت نیمه مستقل طاهریان و سپس قیام یعقوب-
 لیث صفاری دیگر سلطه مستقیم اعراب پایانی یافت اما نفوذ فرهنگی
 آنها همچنان مدت ها طول کشید آنچه در بخش فرهنگی بعد از
 تسلط عرب می بینیم همانا احیای دوباره زبان دری به
 حیث زبان ادبی خراسان است که مدت ها تحت تاثیر فرهنگ
 و زبان عربی از صحنه حیات قسمًا ناپدید گشته بود و همین امر موجب می
 گردد که در کنار هزاران مرد سخنور و سخن پر دازان شاعر
 و ادیب و هنرور و با دانش نیز قد برافرازند . ادبیات دری
 دوره (بعد از سقوط تسلط عرب) در واقعیت وسیله خوبی برای
 اظهار درد های درونی زنان محصور در چارچوب دیوار خانه

هاو در گیر در اسارت پدر سالاری بوده است . از قرن هفت تا ده
 هجری که دوران رشد سریع و نضج مناسبات فیودالی است ،
 نظام ملوک الطوائف بر بنیاد قدرت نمائی و جلوه گری نفوذ
 و قدرت و شکوه و جلال فیودالان بزرگ و در بارهای فیودالی زنان
 طبقات و خانواده های ممتاز را بیشتر از پیش بسوی حجاب و
 حر مسرای های بزرگ با برج و باروی سهمگین فرا خوانده است .
 این دوران و حتی دورانهای بعدی زنان مرطوب به دهاقین و زحمتکشان
 دهات با همه تحمل فقر و بی چیزی از نوع آزادی برای کار کردن
 در بیرون خانه بر حسب نیاز اقتصادی ، اجتماعی آنوقت
 بر خور دار است . زنان خانواده های ثروت مند و ملاکین فیودالان
 و زنان حرم مسرای های دربارهای ملوک در طی این دوران ادبیات
 را به مثابه یگانه وسیله برای بیان محرومیت ، عشق های پنهانی
 و سوز درونی خود یافته اند . البته گاه در همین دوران هم هستند
 زنانی انگشت شمار که بنا بر نفوذ شخصی در دربار ها و پاگاه
 به علت نبودن وارث مناسب برای حکمرانی به قدرت رسیده و
 خوب یا بد مدتی حکمرانی رانده اند . اما تعداد این چنین زنان
 نخست اندک و ثانیاً فقط ضرورت و تصادف با هم دست داده و میدان
 به آنها رسیده است که این امر امنزلت و مقام بلند زن در جامعه
 فیودالی آنوقت به سطح جامعه نماینده گی نمیکند . بگونه مثال
 در اوآن هجو مچنگیز در دربار خوارزمشاهیان مادر سلطان از قدرت
 بزرگ در امور دولتی بر خوردار بوده و بچنان زنی
 ستمگاری مبدل گشته بود که ارکان دولت در لحظات حساس
 تاریخ از او به سختی به تنگ آمده در دعوت چنگیز سهم گرفتند . (۲۵)

۲۵ - عبدالحی حبیبی : تاریخ مختصر افغانستان جلد دوم صفحه اول
 کابل ۱۳۴۹

والده شهزاده محمد حکیم حکمران کابل حدود ۹۶ هـ بنام ماه
چوچک خانم امور کابل را بدست داشت . قبل برین در سد هفتم
سلطان رضیه دختر التمش که در شمشیر زنی و اسب سواری و علم
اداره دست داشت (در سال ۶۳۸ هـ کشته شد) یکی از سلاطین مشهور
افغانها در هند است . (۲۶) چنانچه گفتیم این نمونه ها اندک اند .
بیشتر زنندگی زن را درین دوره بسایید از خلال ادبیات
شفا می و فلکوریک و داستانه های ادبی آنان جستجو کرد . شهره
فغان درین رابطه اندک نیستند . قبل از اینکه نمونه های از چنین
زن ها را نام گرفته و بیکی د و نمونه از اوای خاطرش اشاره
کنیم ، پایده افزود که مدت ها پیش از این دوران از زنی مشهور بنام
شهیدیه کاتبه دختر علامه ابو نصر اطلاع داریم که در علوم و فنون
دست داشت تولدش را ۴۸۴ هـ نشان داده اند از مشهورترین
خطاطان عصرش است .

همچنان آغا بیگی دختر میرزا میرانشاه گورگانی از زنان مشهور
است که هم شاعر و هم زنی دلیر و جنگ جو بود . او در
مقابله با ترکمن ها از خود رشادت بزرگی نشان داده و در حق اوست
که سروده اند:

((ولو كان النساء بمثل آغا الفضل النساء على الرجال))
اگر زنان مانند آغا می بودند البته بر مردها فضیلت میافتند .
(۲۸) مطلبی که از آن گفته آمدیم هر چند نشان میدهد که اگر زن
برای به نمایش گذاشتن استعدادش گاه میدان یافته در آن عرصه ها

۲۶- میر حسین شاه . افغانها در هند صفحه ۱۰۰ کابل سال ۱۳۴۵

۲۷- اما ن النسوان کتاب درسی برای صنوف رشدیه جلد سوم

صفحه (۴۶) سال ۱۳۰۴

۲۸- اما ن النسوان کتاب درسی برای صنوف رشدیه جلد سوم

صفحه ۶۱-۶۶ سال ۱۳۰۴

ثیکه بر طبق سنت مردم کار و فعالیت مردان محاسبه شده نیز کمتر از مردان نبود و اندک بگونه مثال و به شهادت تاریخ الا نفوذ از زنان ملوک مغول است که به سلطه قدرت رسید و به حسن کمال حکومت کرده است.

نامها و اصطلاحات مستورات و مخدرات که از دنیای عسرب به ارث بردیم در دورانی که از آن سخن میگوئیم با نفوذ عنصر ترک کلمات خانم، خاتون و بی بی نیز بر آن افزوده شد. گویند کلمات خانم و خاتون مؤنث کلمه خان و کلمه بیگم مؤنث کلمه بیگ است که برای احترام مردان استعمال شده است و بی بی در لهجه هند و ستانی مخفف بیگم است (۲۹) بایده گفت که در آغاز نفوذ و مهاجرت نفوس مغل و ترک زنان این اقوام هر چند خشونت پد رسالاری را باشند تحمل میکردند اما به انداز نفوس بومی خراسان زیاد در پرد و حجاب فرو نرفته و درین زمینه آزادیهای داشته است.

در آغاز این بخش از سخنی اشار داشتیم که زبان و ادبیات قوی ترین و مؤثرترین وسیله بیان درد های روانکای زنان محصور در اسارت فیودالی و پدرسالاری بوده است. عشق ناکام رابعه بلخی با بکتاش غلام او و حسادت و بدبینی و ستمکاری حارث برادرش که منجر به مرگ رابعه در گرم آبه شده و شعرش با قطرات خون بر دیوار حمام یادگار ماند نمونه است از اسارت زن در چنگال سنت های فیودالی. رابعه را که نخستین شاعره زبان دری میدانند داستان عشق پر شور و عاری از هوس زودگذر جوانی

۲۹- سراج الاخبار افغانیه شماره (۱۳) سال اول صفحه ۱۶



را ناگزیر از زبان ببللمی آغاز دو پا یا نش در روی دیوار های گرم آبه از خون او نقش میگیرد. منیجه یا منیژه (مهیستی) شا عر دیگری است که حدود سالها ۵۷۶ الی ۵۷۷ هـ میزیسته و در یکی از ربا عیا تش چنین تصویری زنده گي زنان را به نمایش میگذار د :

((ما رابه دام پیر نگه نتوان کرد در حجره دلگیر نگه نتوان کرد آنرا که سر زلف تو زنجیر بود در خانه به زنجیر نگه نتوان کرد)) در یفا که او و ملیون هازن دیگر بدام پیر و در حجره دلگیر و در شرنگ شرنگ ناپید ای زنجیرهای اسارت معنوی قرنهای سر گذاشته و فقط روزگار فریادها و ناله های محدودی ازین اسیران را به ما رسانیده است . اگر داستانهای فلکوریک مردم بویژه دوبیتی ها و لندی ها بدقت جمع آوری و به کاوش گرفته شود آنگاه زشتی های بنام سنت ها که سخت زنده گي زنان را در هم کو بیده بود بیش از پیش نمایان خواهد شد . شناخت و دریافت شعرا و نویسندگان زن در دور اینکه از آن سخن میگوئیم نیازمند پژوهش های وسیع است که این رساله از جهت سمت کار بان نپرداخته و فقط به نمونه های اشاره شده تا نشان دهد که زنان افغان در همه عرصه های زنده گي استعداد و توانائی بجای نداشتن نقش های سازنده و انسانی داشته است . اگر بروایت ((هری)) دختر ی ضحاک بنیاد شهر هرات را گذاشت خلیمه شاه عر ز بان پشتو دختر خوشحال خان ختک ، رابعه قندهاری شاه عر عصر با بر ، فصیحه هروی ، فیروزه کابلنی (شاه عر در بار همایون) مهری هروی ، شهره زمان خود بودند . زوغونه قندهاری بوستان سعیدی را در ۹۰۳ هجری بزبان پشتو نظم کرد و نیکبخته دختر شیخ

الله داد مموری کتاب مشهور ارشاد الفقراء را در حوالی ۹۴۹ هجری نوشت (۳۰). به این گونه زنان آن روز گار نشانداد که زن در ساختن زنده گی و آفریدن زیبایی ها و مبارزه بازشتی ها همد م و همپای مرد بوده میتوانست ولی به علت تعمیق مناسبات تولیدی فیودالی و تشدید اسارت فرهنگی بر زنان حیات اجتماعی آن نیمگی از پیکره جامعه در آتش سربیداد سوخته و ساخته است . باید افزود که از دوره سامانیان و بویژه در دوره غزنویان ، سلجوقیان و خوارزمشاهیان موسسات مذهبی و نوع تحکیم و تعبد مذهبی چنان شدت یافت که با سنگین این وضع قبل از همه به اسارت زن افزود . چون بر حسب هدایات اسلامی طلب رزق برای زن بجز در حالاتیکه اقارب و خویشاوندان نداشته باشد مباح بود و در حجاب کشیدن زن را امر اسلامی و مذهبی میدادند . نستند ازینرو زنان بیشتر در قید برده گی خانواده گی قرارداداشتند . حجاب که گویند عامل بوجود آمدن آن جلوگیری از شدت فساد در جامعه بدوی عرب بود در جامعه ما از سده نهم و دهم هجری به بعد به شدت سنگینی کرد و پرده و برقع و روی بند و چادر و چادری برای طبقات ممتاز نه تنها معرف مذهب بودند بلکه علامت امتیاز آنها از زنان طبقات محروم و زحمتکش که ناگزیر به کار بیرون خانه بودند قرار گرفت .

زنان طبقات ثروتمند و دربارها اگر گاه به حمام ها و میله های زنانه و مراسم عروسی و مرده داری از خانه خود بیرون میشدند با همان حجاب های سنگین و تحت پروگرام معین و اغلب بوسیله لاله های پیر یا اخته شده به چنین هوا کز و هنمایی میشدند . البته

۳- مجله کهول سال دوم شماره چهارم ۱۳۵۶ به نقل از هرات نامه

همین در بارها و متنفذین که این همه بدین و مذهب چسبیده بودند و صرف شجاعت و مردانگی و ریاضت و عبادت پسندی به آنها تعلق داشت در هنگام منافعشان خلاف همه اصول شریعت اسلامی در کنار گرم نگه داشتن بازار برد و فروش بازاریان غلامان و کنیزان نیز گرم و پر حرارت بود. آنها کنیزان زیاد گرد آورده در سرای های خود به آنها ادب و موسیقی و خدمتگذار به دیگران را میاموختند و بعد هر یکی از آنها را به قیمت گزاف بفروش میرساندند ابو القاسم دلال دور و غزنویان از این امر چندان مباهات میکرد که خود را همردیف در باریان به حساب می آورد.

در قرن سیزده میلادی که هجوم مغلها در کشور ما آغاز شد همه موسسات اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی به شدت بهم خورد کشت و کشتار و سیع و جمعی مردوزن، پیر و جوان را به کام خود کشید و حداقل کتابخانه ها و شهرها و مدرسه های که از گذشته مانده بود بوی پرا نی کشیده شد.

فقط شماری از مردم در دره های دور دست کوهپایه ها از شر این هجوم نجات یافته و از مصیبت چنگیز و ادا مه دهنده گان او کم و بیش در امان ماندند. از ظهور چنگیز تا بنیاد گرفتن دولت تیموری هرات حدود یک و نیم قرن از تاریک ترین ادوار معنوی تاریخ کشور ما است. درین دوره نه تنها مردان بلکه زنان نیز با همه قدرت با ید به تکمیل مایحتاج سپاه بزرگ مغل می پرداختند و در واقعیت همه مردم بشمول زن و مرد در نوع برده گی دست و پا میزدند. بار مالیاتها یت سنگین بود توانگران سالانه فی نفر پنجمصد دینار و درویشان یک دینار میپرداختند. تاریخ مینویسد که شرف الدین خوارزمی یکی از عنا صر موزی،

و خاین ملی بدو لت مغل پیشنها دکرد که مردم افغانستان و مازندران چهار هزار بالش طلا (عر با لش پنجمصد مثقال) با قیدار هستند و خود او ما مور تحصیل این مقدار نفود گردید او دست به شدیدترین شکنجه ها زده مردان را گرسنگی داد و از پای می آ و یخت و ز نان و ابر هنه از خانه ها کشیده از پستان می آ و یخت و پول میخواست .
 (۳۱) این وضع مردم را از زنده گی و امید به آن محروم ساخت و جای مبارزه و تحرك و سازنده گی را رفته رفته نوع پناه بردن به مذهب و صوفیگری و در وی ————— ششی گرفت و عملا روح جا معه کشته شد . گرچه سلسله ال کرت از سال ۱۲۴۵-۱۲۸۱ میلادی در گوشه کوچک از افغانستان به احیای دوباره ((هویت ملی)) و تاریخ و فرهنگ کشور رهت گذاشت و شهر هرات را بمرکز قایل توجه برای آینده گان مبدل ساخت و در سیستان شهر نوجلال آباد را با وجود آوردند . ولی هجوم تیمور النگ همین شعله کوچک را نیز خاموش ساخت .

در دوره تیموریان هرات ————— آغاز حکمروایی شاه رخ میرزا که مرکز خود را هرات قرار داده بود نقش گوه رشاد بیگم در تشویق شاه رخ میرزا بخاطر برآورداندازی بر خیتولات اجتماعی و بخصوص فرهنگ در تاریخ جا و مقامی خاص دارد با تشویق اوست که سرزمین هرات یکبار دیگر به حال عادی برگشت و بنیاد فرهنگ ، هر چند خشک و بی روح و مذهبی بود از سر گرفته شد . در همین دوران نیز اگر بعضا زنان نامدار وجود دارند بصورت عموم در استدلالات مذهبی از تعلیم و با سواد شدن زن جلو گیری میشد و جالب است که در کتاب اخلاق جلالی تالیف جلال الدین روانی دانشمند مشهور این دوره در باره زنان میخوانیم: ((شوهر خود ش را در نظر زن مهیب نماید تا

از اطاعت و امر و نواحي او نهاي ن نکند ... اگر به صحبت زن گرفتار شود از او مخفي نمايد ... در امور کلي با زن خود مشوره نکند. و بر اسرار و مال خود او را آگاه ننمايد و از او پوشيده دارد ... زن را از نظر به اجانب و استماع حکايات مردان منع کنند و زن فرزند دار وزن بيوه و زن متمول را نکاح ننمايد. ۴ (۳۲)

فصل سوم

بخش اول

مقام زن در تاريخ معاصر افغانستان

الف - دوره هو تکیان :

باسقوط زما مداری سلسله تیموریان هرات سالهای کوتاهی شیبانی های ماورالنهر توانستند بصورت نا پایدار بر بخشی از قلمرو افغانستان حکومت کنند. از آن پس تا تشکیل دولت هوتکی ها در قندهار جامعه افغانی به مفهوم عام این کلمه با تجزیه و از میان رفتن وحدت سیاسی مواجه گشت به نحو یک منطقه غرب و جنوب غرب تحت تسلطه صفویان ایران رفت و بر مناطق شرقی کشور نفوذ بایری های هند سایه گسترد و شمال کشور در دست ملوک الطوائف و زمامداران محلی قرار گرفت مبارزه برای استقلال و تامين وحدت سیاسی کشور رمدتها دوام یافت این مبارزات در هر سه ساحت جریانی داشت. در شرق پروسه مبارزات ضد بیگانه گان مدت چهل سال دوام کرد که در آن نقش زنان روشن

است . خصوصیت قبیلوی همراه با دموکراسی های درون نظامی
 قبیلوی و طایفوی بزنا ناجاز میداد تا در حماسه های تاریخی
 بیشتر شرکت جویند . در شمال دولت های ازبکیه بیشتر دل به
 ادب و فرهنگ خراسان بسته و بتدریج از زیر لوی حکومت های
 ماوراءالنهر بیرون رفته با حکومت های ساده و تا حد کم مصروف به
 زندگی خود تاتشکیل دولت احمد شاه درانی ادامه دادند ، در
 غرب و جنوب غرب مبارزه علیه تسلط صفوی ها وسیع و شدید
 بود . روی هم رفته بیش از دو قرن دوران تجزیه و انحلال ، هستی
 فرهنگی جا معه از سیر تکامل بازمانده ، نظام ملوک الطوائف بیش
 از پیش قوت یافت و آنچه از شاهان و دانشمندان فرزانه مردان
 وزنان پیدا میشد دسته دسته راه دیار نیم قاره هند را در پیش
 گرفتند و تنها همان ذر بارهای هند بود که برای شکوه و جلال
 خود هر چه از شعرا و ادبا و هنرمندان را میافتند بسوی خود
 میکشیدند .

در بارهای آنان پر شکوه آمیخته با عیش و ترنم بود . مردان
 لباس های نازک و ابریشمی پوشیده و زیورات به تن میکردند و در
 مجالس عیش شان زنان میرقصیدند و میخواندند . مذاهب هندی
 تعصب اسلامی را در بخش رقص و موسیقی از میان برداشته
 بود .

باتوجه با آنچه گفتیم زنده گی اجتماعی همه مردم اعم از زن و
 مرد در کشور ما دستخوش طوفان های معلوم و نامعلوم گشته درین
 همه حالات مصیبت بار دشوار است تصور از زنده گی اجتماعی زنان
 کشور برکشید زیرا شیراز کشور از هم پاشیده ، تنها جماعات
 پیغم و مهاجرت های طبیعی و جبری و جنگ های داخلی مصون نیست
 اجتماعی را در مجموع از میان برد زن و مرد یکسان تا گزیر
 به تحمل ناگواریهای روزگار اند با آنهم مضمون این دوره نسبت به

مردان برای زنان ناخوش تر است. زیرا با هزاران یتیم و معیوب و یاس پیوه گی و بی فرزندی زنان را بیشتر متاثر می ساخته است. در همچو اوضاع و احوال کشور در جبهه جنوب مبارزات ضد صفوی ها به رهبری میرویس هو تکی (۱۷۰۹-۱۷۱۵) منجر به تشکیل دولت مستقل هو تکی در قندهار شده و این منطقه امید گاه برای وحدت سیاسی کشور گردید. ولی درگیری با مقامات های بعدی صفوی ها و عطش انتقام جوئی نیرو و قدرت این دولت نو تشکیل را قبل از آنکه شیرازه قدرت را در داخل کشور و سعادت بخشد در ایران آنوقت مصروف شد. بهمین دلیل سلسله حکروائی این زمامداران مستقل افغانی دیری نیاید. باید گفت که در تکمیل شخصیت میرویس هو تکی بمثل به یک قهرمان ملی مادر او تاز و که به انا مشهور است و از زنان فاضل و شاعره شیرین سخن و قوت خود است سهم بزرگی داشته است. دولت هو تکی قندهار هر چند مدت کوتاهی به زنده گی دوام داد ولی میتوان گفت که دور این دولت قوت های بزرگ پشتون، ازبک و تاجک و هزاره پیوسته چنانچه سیمای اردوی محمود هو تکی شاه این مدعاست. با شکست شاه اشرف هو تکی در ایران قدرت مرکزی در قندهار ربه دست شاه حسین هو تکی قرار گرفت. تاریخ گواه بر این امر است که این شاه ادب پرور سخت تحت تأثیر بی بی زینب دختر حاجی میرخان قرار داشت. این شاعر چیره دست نخست قرآن و علوم فقه را خواند و بعد به مطالعه کتب مشهور فارسی پرداخت درین امر استاد او ملا نور محمد غلجی بود که مدت ها به مخدرات حرم درس میداد (۳۳) همین زن در امور شاهی به شاه حسین هو تکی مشورتها

۳۳- عبدالحی حبیبی. پته خزانچه چاپ سوم کابل سال ۱۳۵۴

صفحه (۸۷)

میداد و شاه نیز از تدابیر او پیروی میکرد. و نیز این زن دانشمند بنوبه خود مخدرات حرم پادشاه را درس نوشت و خوان میداد و انگاه که برادرش محمود هو تکی کشته شد مایه بزرگ و مشهوری را برای او سرود، وجود تشکیل یک دولت مستقل ملی آنهم در یک گوشه کشور هر چند حادثه بزرگ تاریخی و امید برای آینده بود و برخی از مورخین همین امر را مقدمه تاریخ معاصر افغانستان به حساب میگیرند ولی صیغه این دولت با همه خصلت (ملی گرایی) آن از مناسبات تولیدی مسلط جا معه یعنی مناسبات تولیدی فیودالی شکل گرفته در قسمت زنده گی زنان اعم از طبقات حاکم و یا زحمتکشان چندان تغییر محسوس بنظر نمی خورد و نظام قبیلوی پدر سالاری همچنان بحاکمیت خود ادامه میدهد.

ب- زنده گی زنان بعد از تشکیل دولت مقتدر سدو زائی:

در سال (۱۷۴۷) میلادی احمد خان درانی یکی از افسران پر قدرت اردوی نادر افشار بعد از بازگشت به قندهار در جرگه بزرگ قومی به حیث پادشاه افغانستان تعیین گردید. احمد شاه با همه جوان بودنش در سیاست و حکومت داری صاحب رای و تدبیر بود. او میدانست که مقابل با قدرت خوانین و سمران قومی با دست خالی دشوار است. دولت او برای استحکام خود به کسب غنائیم و شهرت جنگی ضرورت داشت و مضمون آن دوران نیز چیزی جز این نبود، به همین دلیل او جرگه از سران قومی ساخت و در آن تدابیر تهاجم بر نیم قاره هند را آغاز نمود. حملات او در هند و ایران و ماورالنهر هر چند به قدرت دولت او افزود و افغانستان را به سرحدات طبیعی آن رساند ولی آن جنگ ها و تها-

جماعت برای مردم افغانستان به قیمت گزاف تلفات انسانی تمام شد. ده ها هزار افغان که عمدتاً از دهاقین تپه دست کشور جمع آمده بودند دسته دسته طعمه جنگ های طولانی در نیم قاره هند شدند. این امر در عقب خود هزاران بیوه، یتیم و زخمی و معیوب را به جا گذاشت. ثروت های به جنگ در آورده نیز بیش از پیش به قدرت خوانین افزود. در داخل کشور قدرت محلی خوانین همچنان رو به افزایش نهاد، فاصله بین فقر و ثروت شدیدتر میشد، اگر هزاران زن درو نحریم برای های خوانین در تشریفات خاص اریستوکراسی قبیله ای بپوشان زنده گی پر جلال از حیث تنعم مادی از آزادی گشت و گذار بیرون از حجاب محروم می شدند. توده های زنان زحمتکش در زیر بار فقر و تهیدستی جان میدادند. این وضع بعد از وفات احمد شاه درانی در دوره تیمور شاه و اولاد او و خانه جنگی های برادران سدو زائی و محمد زائی بشدت سنگینی کرد. تیمور شاه درانی با گرفتن زنده گی میراث نوع مجاز بودن تعدد زوجات را بجا گذاشت. این امر به اغلب فیودالها و خوانین بزرگ و درباریان امکان بخشید که در تداوم این سنت بناهای مختلف زنان زیادی را در حرم های خود نگهدارند. حتی برخی از امرائی محمد زائی از جمله دوست محمد خان جهت حفظ آرامش مو قتی و جلب حمایت فیودالان که از مرکز فراری میشدند قسماً روی مجبوری به تعدد زوجات پرداخت که شمار زنان نکاحی و غیر نکاحی (صورتی) آنرا تا حدود چهار ده نفر نشان داده است جالب توجه است که امیر حبیب الله بعد از به قدرت رسیدن، زن پنجم خود را رسماً طلاق داد تا بر حسب روایت اسلامی که نکاح چهار زن را مجاز داشته است عمل کند ولی همین

در بار نیز بعد ها حر مسرای های خود را از صد هازن چنان انباشت
که امیر در درون همین حرم سرا هاجز گاه گاه که شوق شکار میکرد
از بسی آمو ر کشوری بدور بود .

ج- نمونه های از فریاد های زنان این دوره :

قیود نظام فیودالی و پدرسالاری با گذشت زمان تعمیق میافت .
انکشاف شهر ها نیز هر چند پدید آمده های از فرهنگ بورژوازی
رانا گزیر با خود میاورد ولی ازیستو کراسی شهری به قوت تا
دیر زمانی سنت های قوم ی ، قبیله ی و مذهبی را حفظ میکرد . زنان در
داخل شهر ها بیشتر از مناطق بیرون شهر اسیر این سنت بودند .
میله های زنان و رفتن به زیارتگاه ها یگانه روز های آزادی زنان
محسوب میشد زنان با استعداد و سرشار از قریحه ادبی درین عصر
فزون می یافت ولی بعزت نبودن آزادی برای زنان و منحصر بودن
تعلیم و تربیه به چار دیوار مساجد و مدارس مذهبی و محرومیت
جامعه از نعمت سواد از صد ها هزار ها شاعر و هنرمند فقط
نامهای محدودی سینه به سینه انتقال یافته و زنده مانده و برخی
دیوانهای تمام و نام تمام شان تا زمانه های ماریده است . از
سلسله همین آثار میتوان زنندگی زنان عمده تا زنان خانواده های
قدرتمند و صاحب ثروت را در قبایل اسارت شان درك کرد .
مستوره غوری دختر سید محمد عظیم ساکن پرچمن غور (تولد
۱۲۴۵ هجری) مریم بنت سید عبدالله کرخی ، سپینه هروی
(تولد ۱۲۵۵ ه) محجو به بنت سکندر خان شاعر هروی حدود
(تولد ۱۲۶۴ ه) عایشه درانی (تولد ۱۲۷۰ ه) آمنه فدوی (تولد ۱۲۷۶ ه)
شاعر ه هم عصر امیر عبدالرحمن که وفات آن در حدود سال (۱۳۰۳) یا
(۱۳۰۴) ه نشان داده شده . هم شعرا ی دارای دیوانها بوده اند .

از يك منظومه برادر محبو به هروی (صار می) که به مر گیت
خواهرش سروده است معلوم میگردد که این شاعر میرتوان
با احساس و جوان در قید نکاح مرد سخت بیرحم و مغروری قرار
داشت و در همین زندان اسارت به سختی در جوانی جان داد .
بیتی ازین منظومه بر سر سوز میخوانیم :

((این جور خود به خویش نمودم از ابلهسی
دادم فرشته را به کف دیو منظری))

همچنان در غزل محجوبه نیز چنین سوز و دردی محسوس است:
((توای صیاد یاد آور بقید افتاده دامت

کشا از محنت هجران اسیری خسته زاری را، (۳۴)
و در شعر آینه فدوی نیز بر میخوانیم :
((تأمل در چمن و ضلع دنیا و اگر دم

سیمی بود که بر دبدبه بیند اگر دم)) (۳۵)

در همین دوران از زن با احساس و دارای وسعت نظر اجتماعی
مشهوری شناخت داریم که بنام بوبو جان شهرت یافته و نام
اصلی اش بی بی حلیمه است . او که از اسارت استعمار بریتانیایی
خلق و کشورش به تنگ آمده و فریادش را چنین بلند میکند :

((اوبرای خدا بلند کنید بر سر خود لوای استقلال

باد شرین دهان ملت ما یارب از میوه های استقلال

میکشم بعد ازین بدیده خویش سرمه ز خاک پای استقلال)) (۳۶)

مبارزه برای آزادی و استقلال کشور زنا نی بیشمار ی را به

۳۴- رحمانی . پرده نشینان سخنگوی کابل سال ۱۳۳۱ .

۳۵- رحمانی . پرده نشینان سخنگوی کابل سال ۱۳۳۱ .

۳۶- رحمانی پرده نشینان سخنگوی کابل سال ۱۳۳۱ .

عرصه تبرد ضد استعمار ی فسر خوانند و در آن برخی ها به قهرمانان و حماسه آفرینان تاریخ مبدل گشتند . نام نامی ملالی د ختر قهرمان افغان که با صدای خود:

« که په میوند کی شنید نشوی خداین ولالیه یی ننګی ته دی ساتینه،
جهت وسعت مبارزه را تا سرحد پیروزی تعیین کرد . بیاد داریم
غازی ادی آن زنیکه از خوشی لوگر تا قلعه قاضی یگجا با مبارزین
ضد استعمار ی مارش کرد و ازین جا خود را به چهار دهی و کوه علی
آباد با جمع مبارزین و در حلقه اوزنان زیادی تفنگک بشانه حرکت
میکرد ، از حماسه آفرینان تاریخ ما است . این زن قهرمان که پدرش
به «حبیب اکا» شهرت داشت و اصل از سلیمان خیل کتو از بود و در
خوشی لوگر میزیست در مبارزه با استعمار شوهر و فرزندش را
از دست داده بود خود ش بیکی از قهرمانان قیام دوم ضد استعماری
خلق های مامبدل گشت .

در همین سلسله از قهرمانان دیگر ی نیز در تاریخ مبارزات ضد
استعماری مردم خود شناسخت داریم این زن مبارز که بنام ((مادر
مهد خان)) شهرت داشته نامش بی بی حلیه است که در باران کابل
خولد یافته است . او خواهر امیردوست محمد خان بود . چارلس
میسون در کتاب سفر تا به افغانستان و بلوچستان و موهن لال
در کتاب زندگانی امیر دوست محمد خان از او سخن رانده است ،
میرمن حلیه در اثنای نخستین قیام ضد استعماری در منا طبق
گهدها من و کوهستان خانه بخانه و قریه به قریه میگشت و توده های
مردم را به مقابله با استعمار فرا میخواند . فراموش نباید کرد که
این همسان حلیه است که در صفحات قبلی بخشی از سروده او
را که آرمان استقلال را بیان میکرد آوردیم .

بخش دوم

۱- مبارزه برای احیای نقش اجتماعی زن در دوره رو شنگری افغانستان :

در نیمه دوم قرن نوزدهم مناسبات تولیدی پور ژوازی نخستین نشانیهای خود را در شهرهای محدود کشور نشان میداد. رشد مناسبات بورژوازی با کندی و عمده تا در چار چوب تجارتی طریق میکرد. مقابله پدیده های فرهنگی بورژوائی با سنت های دیرین و پایدار فیودالی و ما قبل فیودالی به سطح جامعه نامحسوس بود. اثرات این امر در بین زنده گی زنان افغانستان دیده نمیشد. دوره امیر شیر علی خان که دوره روشنگری و توسعه مناسبات بورژوائی در شهرهاست یگانها اخبار که بدست تشر میرید بنام شمس النهار است که در مطبعه سنگی بشکل مجله ای در شانزده صفحه دو رویه چاپ میگردد. منابع تغذیه این اخبار عمده تاجر ایدی است که در نیمه قاره هند چاپ شده و بیشتر تحت تاثیر نشرات انگلیسی آنوقت قرار دارند. در جریان شمس النهار مطلب مختص بزنان و زنده گی اجتماعی آنان وجود ندارد.

بیشتر مطالب درین زمینه یا اخبار خارجی است و یا هم در جمع روایات نیمه افسانوی سخن از زنان بمیان میاید. بگونه مثال در شماره دهم سال (۱۲۹۰ هـ. ق صفحه ۱۲) تحت عنوان «خبر بدخشان» روایت نیمه افسانوی است که از زبان شخصی نقل شده که اهل کافرستان (نورستان) کنونی بوده و با آمدن به بدخشان اسلام یافته است. روایت نشان میدهد که در سرزمین کافرستان آنوقت در

دامنه کوه بزرگنی سوراخی (سموچی) وجود داشته که اسراران پوشیده بود. اعضای قوم دستور داشتند تا همه هنگام عروسی عروس را به آن سوراخ بزرگ برد و سه ((گننه)) در آنجا تنها نگهدارند. طبق دستور مذهبی هیچ مردی را اجازه رفتن به این مغاره نبود. است اما قصه گوی مسلمان شده روزی از زوجه خود اسرار این مغاره را پرسید و او از برخی ملاحظات خود برای قصه میگوید. شوهرش بعد از شنیدن قصه به قصد دیدن از مغاره به آنسو حرکت میکنند و با استفاده از تاریکی بدخل نفوذ کرده مطابق داستانی که زوجه اش برای او بیان داشته بود در آغوش دریک گوشه تاریک مغاره همان بت را میبیند که عروسان بیای آن خم شده و نیز چشمه آب است که از آن مینوشند. اما در چند قدمی دورتر روشنی به نظر میرسد که بقول زوجه اش آنان به آنجا نمیرفتند. وقتی قصه گوی پسراغ آن روشنی میرود نخست بت بسیار بزرگی ساخنه از طلا یا برنج را میبیند که بشکل زن ساخته شده است و در کنار آن چشمه آب سردترین قرار دارد. به عقیده مردم آن دیار این بت گویا زن بابا آدم بود است و چشمه نیز از آن چشمه بهشت است. درین مغاره مردان به دلیل آنکه برای زن بابا آدم حاکم جرمت نشده یا شدد داخل نمیشوند.

این روایت افسانوی و نمونه های از این گونه نگاشته ها جسته و گریخته در جریده شمس النهار وجود داشت و اخبار از علت های طلاق و محاکمه زن و شوهر در موارد منازعات شان مأخوذ از اخبار های ارو پائی گاه گاه به چشم منی خورد. اما هنوز سخن از زنده گی زنان کشور در میان نیست. دوره امیر عبدالرحمن خان که صلابت و وحشت حکمرانی و وقصه ها دارد آنچه از خارج کشور میرسد افسانه های بیشمار از کتب بازار قصه خوانی پشاور است که در تاریک نگهداشتن و در اسارت آوردن فکر انسان کمک میکند

فقط با شروع نشرات سراج الاخبار افغانیه بر هری محمود طرزی است که بر خی نشرات آگاه می دهند و بیدار کنند و با اوزش اجتماعی در مورد زنان امکان نشر مییابد. برای اینکه و خصوص اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی قبل از آن را بصورت فشرده در یابیم یک نوشته مو جز سراج الاخبار پرد و از وضع جا معه برد میدارد. بتاريخ ۳۰ عقرب ۱۲۹۰ هـ ش نوشته تحت عنوان ((دار الیتا ما)) دراز تباطه مناسبت ایجاد نخستین یتیم خانه در کشور بچاپ میرسید که در مقدمه آن می خوانیم: ((دار الیتا ما یعنی یتیم خانه این چه کلمه عجیب و غریب است؟ آیا بخاطر خیال گشتی می گشت که در افغانستان شفاخانه ها، یتیم خانه ها، مکتب ها، ما شینها، تلفو نها، برقی ها، بروی کار اینند؟ عرابه ها، بایسکل ها، مو تر ها، بر آن براه افتد؟ اگر پیش از د سال این سخنان را کسی میگفت در افغانستان این چیز شده نمی است بر عقل او میخندیدند.))

تصور بر جا معه ما در ست همینگونه بود و این در آن مقطع زمانی است که در کشور های اروپائی کشور های قاره امریکا و اغلب کشورهای آسیائی سده ها پیش با پدیده های یساده آشنا بود نه تنها بر امکان ساختن آن کسی خنده نمیکرد بلکه ضرورت آن نیز امر عادی روند تکامل جا معه محسوب میشد.

در اوضاع و احوال که سخن گفتن از مکتب و شفاخانه و ما شین و تلفون، عرابه ها و مو تر ها و بایسکل ها به نظر مردم متعجب می آمد سراج الاخبار افغانیه دل پدر یا زده در جمع سود مندترین مطالب بیدار کننده برای نخستین بار تلاش برای بیداری زنان و فرا خوان مردم به تامین حقوق آنها را با احتیاط از طریق ((معرفی زنان نام و ر جهان)) در پیش گرفت.

این سر یال بیدار کننده و برا نکیزنده از شفاخانه و مکتب

اول سراج الاخبار را با این مقدمه آغاز یافت :

((گنجینه بعضی اشخاص بر مایراد و اعتراض هم بگیرند که در میان مردان ماهنو زردصدیک خوانای اخبار و دانای آثار پیدا نمیشود چه جاییکه زنان...)) نوشته های تحت عنوان زنان نامور جهان تا بیست و چار شمار مجسته و گریخته دوام میکند و در آنها از قهرمانی ها ، نقش های عالی زنان در تاریخ و توانائی که آنها در رسم مشترک شان با مردان در جهت حل مسایل زنده گی اجتماعی دارند مطالب زیادی گرد آورده شده چنانچه در شماره سوم سال دوم از سهامات آن زنان ایرانی یناد میکند که برقع بروی کشیده ، مسلح وارد مجلسی ایران شده و نماینده گان را از امضاء قرارداد اسارت آن و در سال ۱۹۰۷ بازوسیه تزاری منع میکنند .

نگاشته های سراج الاخبار افغانستان در زمینه روشن ساختن تاریخ زنان با عکس العمل های نیز مواجه گشت چنانچه در قوس ۱۲۹۲ مکتوب عنوانی اداره رسیده که در آن یکنفر بنام محمد رفیق خان نوشته بود : ((چون افغان یک طایفه جلیله و شجاع همت اند هرگاه به جای بحث از نامور زنان در تعریف توپ و تفنگ ، اسلحه و آلات جنگ افزود میشد بهتر بود)) . محمود طرزی نامر از منتشر و جوابش را نیز در روشنی وضع جهان در حال پیشرفت با منطق قوی اما محتاطانه نوشت . این سوال و جوابها چند بار ادامه یافت بالاخره در آخرین شماره سال سوم سر پال معرفی نامور زنان جهان قطع گردید و شماره د ر امید سال ۱۲۹۳ ه خبر میدهند که تا زمان دوام جنگسک اول جهان نی این نشرات معطل قرار داده شد .

در سلسله نشرات سراج الاخبار باز هم تحت عنوان ((مهر نکاح و مراسم عروسی و تغذیه)) مطلب به نشر میرسد که در آن اهل معارف به تنویر افغان مردم جهت مبارزه با بار سنگین این سنت ها فـسـرا-

خوانده میشوند و مجلسی نیز درین زمینه در لیسه حبیبیه بنام مجلس معارف تشکیل میگردد.

با حصول استقلال سیاسی کشور و به قدرت رسیدن ((نهضت جوانان)) و انفاذ نظام نامه اساسی (قانون اساسی) سلسله از آزادیهای مدنی و دموکراتیک به صورت عام به جامعه اعلام میگردد که در روشنی آن کار برای تأمین حداقل حقوق زنان نیز جان میگردد.

فخستین مکتب برای زنان کشور (عمد تا شهر یا ن کابل) بنام مکتب مستورات در سال ۱۹۱۹- میلادی اساس نهاده شد و پروگرام بسیار موثر و متنا سبباً شرایط آن زمان به این مکتب طرح و تدوین گشت. کتبی که بنام امان النسوا برای دوره رشدیه تنظیم یافت چنان بود که از تاریخ طولانی زندگی اجتماعی زنان تصویر خوبی میداد. یکسال بعد از تأسیس مکتب مستورات جریده هفته واری بنام ارشاد لنسوان از طرف بانوان و طن به نشرات آغاز کرد. درین دوره همنو زجسایت ها در برابر نام زن چنان بود که مدیر مسوول و سرمحرران نامهای شان را مستعار و با حروف مینوشتند چنانچه اسم مدیر آن (ا-ر) واسم سحر محرران آن (ر-ا) قید شده که عبارت انداز (اسمارسمینه) زوجه محمود طریزی و روح افزادختر محمد زمان خان الکتب. ارشاد النسوان بروی کاغذ نازک در چاپخانه سنگی نخست در چهار صفحه و بعد هادر ۱۲ صفحه انتشار مییافت. مرکز چاپ جریده کاروان سرای کابل بود. مطالب از قبیل صحت، زندگی و حقوق زنان، تربیه اطفال، تدبیر منزل و غیره در آن نشر مییافت. تشویق ملکه ثریا در نهضت زنان نقش موثری داشت در سال ۱۹۲۲م اولین شفاخانه نسوان و اطفال افتتاح شد، محصلان جهت تحصیل اعم از دختر و پسر به خارج کشور

مخصوصاً تر کیه فر ستاده شدند، تشویق در جهت رفع حجاب عملی میشد، نکاح صغیران ممنوع قرار گرفت و با رفع و لغو کامل بردگی عده از زنان کنیزرهای یافتند ... این اعمال که جز پلان دولت ((جوانان افغان)) بود از همان ابتدا خشم نیروهای سنت گرا را برمی افروخت چنانچه در جرگه ۱۳۰۳ هـ. ش در پغمان دولت ناگزیر به برخی عقب نشینی گردید.

درین جرگه نکاح صغیران مجاز شناخته شده و تحمیل گردید که زنان باید در خانه تحصیل کنند. تحمیلات دیگری نیز که شاه امان الله در آن حالت خاص اضطراری مجبور به پذیرش آن بود مطرح شد ولی هنگامیکه شاه از سفر طولانی به کشورهای اروپائی و آسیائی برگشت پروگرام اصلاحی او دوباره شدت یافت. در کنار اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیمع انجمن حمایت نسوان به اشتراك ۱۲ نفر از نمایندگان زنان کابل تشکیل شد. يك مكتب تدبیر منزل در باغ علیمردان به معلمی معلمان چرمنی و ترکی تا سیس گردید و بار دیگر بر لغو نکاح صغیر و رفع حجاب زنان تاکید شد. تحمیلات پسران و دختران در مكتب های ابتدائی مشترك ساخته شد. دولت هدف خود را در تعمیم معارف به دختران و پسران اعلام داشت. شفاخان زنان توسعه یافت و از دواج صابون صبا بنیان با زنان خارجی ممنوع قرار داده شد. (۳۷)

تحولات بنیاد شده همراه با مجموعه اصلاحات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به عمده ترین عوامل تحرک نیروهای ارتجاعی مبدل گشته همکاری های پدیدریغ شبکه های جا سوسی استعمار بریتانوی و تکیه گاه های محلی آن ارتجاع فیودالی را به مقاومت شدید واداشت و هنوز مكتب مستورات به سطح لیسه ارتقا

۳۷ - دستگیر پنجشیر ی. پیدایش و رشد سرمای داری در افغان

نستان .

نیافته بود که با يك اغتشاش داخلی بخشی از ما ستر پلان انگلیس بر علیه ترقی اجتماعی در کشورها به پیروزی رسید .

۲- دوره اغتشاش و سالهای استبداد :

در حدود نزد يك يك دهه حکمرانی شاه اما ن الله پروگرام های و سیع و متنوع اقتصادی ، اجتماعی سیاسی و فرهنگی طرح و قسماً در معرض اجرا قرار گرفت ولی این پروگرامهای اصلاحی و تحولات مطروحه عمدتاً تا جنبه رو بنایی داشته در تغییر مناسبات تولیدی جامعه و متنا سبب به آزوده گرو گون ساختن ذ هیت جامعه به سود تحولات ترقیخواها نه چندان اثری نداشت و تکیه گاه های نیروهای عقب گرا همچنان با قوت باقی ماند . این وضع همراه با شدت فساد در اداره دولتی که بتدریج عناصر اصلی نهضت ((جوانان افغان)) را از صحنه راند موجب گردید که شبکه های استعمار ی با دست باز به تعمیل تو طئه های ارتجاعی کمک کند . در سال ۱۹۲۸ میلادی در نتیجه شکست نیروهای دولتی در برابر نیروهای حبیب الله کلکانی مشهور به بچه سقا شاه امان الله از سلطنت استعفا داد و از کشور بیرون رفت . حکمرانی جدید که وسیله تعمیل پلانهای بعدی عناصر موزی و ضد نهضت امانی بود يك قلم بر همه اصلاحات دوره قبلی خط کشیده دروازه های ملکا تب اعم از پسران و دختران بسته شد ، عناصر سرتر قیخواه بنا مهای طرفداران شاه اما ن الله به اتهام کافرو لاتی بودن یکی بعد دیگری سر به نیست ساخته میشد . فضای مختنق و هرج و مرج لجام گسیخته مصونیت جان ، مال و ناموس مردم را از میان برد و دوره سیاه و ظلمت باری مستو لی گشت . عناصر تصادفی ، فرصت طلب ، مغرض و تو طئه گر شاه مخلوع را با همه طرفدارانش تکفیر کرد ، از جمله اتهامات تکفیر این بود که میگفتند : ((سلام شفا می را منع و به اشاره سر

تبدیل ساخت. عوض د ستار کلاه فقر و کرده، لباس جدید را عوض لباس قدیم معین نمود، ریش ترفشی را رواج ساخت، مکاتپ زناغه تا سپس کرد، برقع و ابرانداخت، متعلقات را در خارج فرستاد، با علمای دیس مغالفت داشته، محصلین در مکاتب انگلیس تحصیل کرد، در شرح فساد روا داشته، سینه قمری رابه شمسی تبدیل ساخته، تاریخ و سینه انگلیسی را اعلان کرد. (۲۸)

دوره اغتشاش از نه ماه زیاده دوام نیاورد. و این پیش پرده فی بزدی عقب زده شد. بدنبال آن قدرت بدست محمد نادر شاه رسید. تر برای مدت طولانی بدست فرزندش رسید حاکمیت دویالتی جدید نخست عمده تأیید سداران سنت های کهنه و مداخله فحش ذهنیت های عقب مانده فیودالی تکیه زده عناصر تر قیخواه و بقایای جنبش جوانان افغان را با کشتار و زندان و تبعیدها از صحنه ناپدید ساخت و انگز بیسیون ((تفتیش عقاید)) رابه اوج آن رساند. اما بدلیل آنکه جامعه یک دوره کوتاه از تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و بویژه آزادی های دموکراتیک تا حدی بهره برد بود و به آن آشنائی داشتند. حاکمیت جدید این نزا که را در نظر داشته همراه با توجه به شرایط جدید جهانی ناگزیر به احیای برخی ریفورمهای دوره شاه اما ن الله شده و موسسات تعلیمی از جمله تعلیمات برای زنان را با احتیاط و به تدریج احیا کرد. این پروگرامهای اصلاحی تا حدی محافظه کارانه بود که در عرصه تعلیم و تربیه، خدمات اجتماعی و مطبوعات نه از جهت کمیت و نه از جهت کیفیت آن از دوره قبلی در طی یک دهه تجاوز نکرد. درین سالها استبداد بسیار خشن حکومتهاشم خان مردم را بان واداشت تا به حق آنها ((استبداد کبیر)) نام گذارند. شدت استبداد دولتی، وجود و تعمیق مناسبات استثمار

فیودا لی ، دست باز دادن به نیروهای عقب کرا و مدافع ذهنیت های قرون وسطائی ، سر از زیر شدن فرآورده های صنعتی دنیا ی سرما یه داری که موجب کود صنایع دستی و کار پیشه ورا ن شهر و ده میگشت و صدها هزارانسان را به قافله بیکاران فرا میخواند همه و ضعی بود که در کنار مردان زنده گی زنان رانیز به مرگ تدریجی مواجه ساخته بود. چون صدای هرگونه اعتراض و ناخرسندی از وضع به شدت خموش ساخته میشد بنا درین دوره سخن از تامین آزادیها ی دموکراتیک و حقوق اقتصادی و اجتماعی نه تنها برای زنان بلکه برای مردان نیز ممکن نمی شد . سنن اسارت آوردن و بندنگه داشتن زنان همچنان شدت میافت و به زنده گی اجتماعی زنان سایه می افکند .

جنگ جهانی دوم که مجموعاروپا و بخشی از کشورهای آسیائی و افریقائی را با کشورهای شمال امریکا دربر میگرفت بر تشدید بحران اقتصاد و مالی جامعه ما نیز اثرات ژرف گذاشت اغلب مواد مورد نیاز مردم که از خارج وارد میگشت دچار رکود گشته و در داخل کشور به امر تشدید احتکار بزیان مردم قوت بخشید . این کار زنده گی خانواده ها را بهم زد و فاصله فقر و ثروت هنوز هم وسیع تر گشت . زنان کشور در این وضع را به بیش از مردان در سیمای اطفال خود احساس میکرد و لی نه تنها دست و پا بلکه صدایش نیز به زنجیر بسته بود .

۳- نخستین نشانه های تمایل به مبارزه دموکراتیک در بین زنان

کشور :

جنگ جهانی دوم و شکست فاشیسم هتلری در برابر اتحاد شوروی و سایر نیروهای ضدفاشیستی و پیروزی پی در پی انقلابات اجتماعی مترقی در کشورهای اروپائی شرقی ، کشورهای

آسیائی و از جمله کشور ما رانیز تکان داد. دوام حکومت داری
 بهمان شیوه های کهنه و مبتنی بر تعمیق اختناق سیاسی بصورت
 ناگزیر جایش را به نوع اداره معتدل تر و بالنسبه دموکراتیک
 تر میگذاشت در تعمیل این امر ناراضیاتی های شدید و دوامدار
 مردم افغانستان که سالهای طولانی با راختناق و استبداد خشن
 فیو دالی رابدوش کشیدند عامل نیرومند خلی بود. در سال
 ۱۳۲۵ هـ. ش کرسی صدارت از سر دار محمد هاشم خان به برادر
 دیگرش سردار شاه محمود رسید. کابینه جدید باتوجه به ناراضیاتی
 های در گلو خفه شده مردم، شرایط زمان و بحران شدید
 اقتصادی و اجتماعی که جامعه را به سختی تهدید میکرد، دست به
 اعلام يك سلسله آزادیهای دموکراتیک زد از جمله قانون مطبوعات
 انقادات یافت اصولنامه انتخابات برای شورای ملی طرح شد و بنیاد
 يك سلسله ریفورمهای تیپ پور ژوآئی گذاشته شد. به
 سلسله همین پروگرامهای اصلاحی و ریفورمیستی اساس موسسه
 نسوان (انجمن خیریه نسوان) یا (دمیر منو خیریه نولنه) در سال
 ۱۳۲۵ در کابل گذاشته شد، بنیادی این موسسه خیریه در ابتدا
 به مبلغ دو صد هزار افغانی پول اعانه شهریان کابل که اراکین
 در بار نیز در آن سهم داشتند گذاشته شد. این موسسه در
 ابتدا به زنان بی بضاعت کمک میکرد و به امور سواد آموزی
 تنظیم، تشویق و تعمیم کارهای دستی، امور خانه (تدبیر منزل)
 و غیره تشبث مینمود. موسسه یکسال بعد از تشکیل خود به
 اتکای بخشی از کمکهای اراکین در بار و دولت و بخشی از کمک
 های خیریه بانک ملی بیشتر شکل گرفت و هیات تحت رهبری
 میرزا محمد یفتلی وزیر دولت به اشتراک علی محمد معاون صدارت
 میر قاسم خان وزیر عدلیه، عبدالمجید زابلی رئیس بانک ملی
 و عبدالهادی (داوی) مسوولیت رهبری، تنظیم و انسجام

تشکیلاتی و سازمانی این مؤسسه را بدو ش. گرت (۳۹) جاتو سعه تشکیلات این مؤسسه و وسعت فعالیت های زنان در شعبات مربوطه آن مؤسسه مذکور بیشتر جان گرت. سواد آموزی که به میسستم لایباک تعمیل میگشت تعداد محدودی از زنان را بخود جذب کرد.

کتابخانه مؤسسه ایجاد، کلوپ، سینما، و باغ عمومی برای زنان شهر تخصیص داده شد. مجله میر من که مخصوص کار و زننده گی زنان بود به نشرات خود آغازنماید و دو شیزه گان قلم بدست چون محترمه معصومه عصمتی، نفیسه شایق، پیغله کبرا، صالحه- میرزاد، میرمن الطیفه کبیر سراج، شایسته مقرر و دیگران با تلاشهای درخور ستایش یکا رهای تنویری پرداختند. در نشرات سالهای نخستین مجله بیشتر باطریق ترجمه و اقتباس ها وضع زننده گی، کار و فعالیت زنان در اروپا و سایر کشورهای جهان معلومات داده میشد و ازین طریق تلاش میشد تا نقش زن را در سازنده گی جامعه اثبات و به پیداری زنان کشور یاری کنند. زن در خدمات عسکری، زنان در عرصه دیپلوماسی، زنان در کارهای تولید، فعالیت آفریننده گی هنری زنان جهان همه مسائل مورد بحث و برانگیزنده برای زنان کشور بود (البته برای آنانیکه سواد داشتند و بخواندن آن دسته می یافتند)

از سال ۱۳۲۶ هـ تلاشهای محسوسی در کابل، قندهار، ننگرهار، و چند شهر دیگر صورت گرفت تا به جمع آمدن جوانان بیدار کشور هسته ای از یک جمعیت یا حزب سیاسی گذاشته شود مبتکرین و طراحان این تلاشهای قوی قیوخواهانگی ها بودند، چه اهداف داشتند و چگونه طریقی کردند مورد بحث مان نیست. جالب اینجاست که بازی در سال ۱۳۲۶ هـ مجله کابل عنوانی

زبانام «ویش زالمیان» به اقتراح گذاشت و تحت همین عنوان از نویسندگان بیدار جامعه تقاضا میکند که مطالب و فرآورده های فکری و ذهنی خود را ارسال نمایند. مطالب هنگفت مخالف و موافق، همگون و ناهمگون بدفتر مجله فرستاده شده که بعدها بجای یک شماره مجله شکل کتاب مستقل را بخود گرفته چاپ و نشر میشود. در جمله این نوشته ها و اظهار نظر ها عده از زنان کشور نیز به ارایه نظر یا تذکره خود توصل جسته که تا حدی پخته گی و علاقه آنها را به زنده گی سیاسی و اجتماعی جامعه ما نشان میدهد و نشانه های از تمایلات دموکراتیک در آن محسوس است. میرمن حمیرا تحت عنوان ((جوان و عا یله)) بانکه بیشتر به نقش زن در تربیت اطفال تکیه دارد و لسی نگاشته های او پخته گی لازم سیاسی و قدرت نویسنده گی او را نشان میدهد، میرمن حمیده نیز در پارچه کوتاه ادبی احساس تحول طلبانه خود را منعکس میکند، میرمن ماگه رحمانی طی نوشته طولانی به نقش زن در تربیت اطفال و جوانان عطف توجه کرده و برای نخستین بار از زیان بار بودن از دواج های جبری پرده برداشته و با تاکید بر تعمیم تعلیم و تربیه زنان و تنویر اذهان عامه خواستار مبارزه با سنن زیان آور اجتماعی شده است. میرمن رابعه حیرت مقدم بر همه درمضمون تحت عنوان ((دختران به جوانان کمک کند)) پیوند مبارزه را به خاطر آینده روشن جامعه خود خواسته است مطالب یاد شد نشان میدهد که حداقل در سطح شهرها نشانه های از مبارزه برای رهایی زن از اسارت دیده شده و فروغ در حال روشن شدن است. ولی تا آنجا نیکه به تصویر زنده گی زنان در سطح کشور را ارتباط میگیرد چه خوش است فشرده یک تحلیل جامعه شناسانه میرمن ابو بکر (میرمن رقیه ابو بکر) را شاهد آوریم. این خانم افغان و نویسنده پر توان کشور نخست تاریخ زنان را به چار دوره تقسیم داشته به نحوی که:

۱- دور ه ابتدائی که زن از همه آزادیها بهره مند است .
۲- دور ه ایجاد حکومت، بوجود آمدن استبداد سیاسی ... که زن نیز اسیر آن شد .

۳-۴- دور ه او ج قیا مها علیه استبداد سیاسی که از غرب منشاء گرفته و زن نیز از پرتو پیروزیها بهره مند است .
او مینویسد : ((در کشور ما حال زنان به هر چهار دور ه ارتباط یافته
گرفته میتوانند بگویند که اولی مشا به زننده گی کو چیه و بادیه
نشین ها است که زننده گی ساده مگر فعال دارند و از تکالیف
حیات مدنی در امان اند و اگر دشواری آزادی نیروی شگفتی با آنها
بخشیده است . قوه مقاومشان زیاد و با مردان یکجا کار
میکنند از لذت آزادی و نشاط کار مستفید مگر از لذت حیات ادبی
و عقلی بکلی محروم اند . دست دوم کنیز محض و نه تنها از حقوق
خود بالمره محروم است بلکه در منتهی فلاکت و شکنجه بسر میبرد
اینها عموماً شهر نشینان ولایات اند . غنی و فقیر محکوم مطلق مردان
و با تعصبات و استبداد های قرون وسطائی مواجها ند . خاصه
آنها بیکه شوهران شان از سوا محروم ولی پولدار باشند حق
مکالمه با شوهر را ندارند ، در یک سفر نمیتوانند با آنها طعام
بخورند ، ظرف آب بدست منتظر امر است ، شخصیت او به حیث یک
انسان نزد مرد مجهول بوده ... از آزادی حیات بدوی و هم از لذت
حیات عقلی و ادبی عصر هر دو محروم است . دسته سوم شهر
نشینان مرکز و درست نقطه مخالف آن دسته های دیگر ند .
اینها منتهای آزادی فامیل را دارا بوده رفتار مرد در برابر شمس
عین رفتار مردان غربی است با این تفاوت که مردان غربی در شخصیت
زنان نفوذ کرده و در تغییر و تحول فکرش موثر است اما در اینجا
چنین نیست . دسته چهارم آنده محدودی است که در این او آخر

تحت تر بیت گر فته شده و دستبند مید مر کزی جا معه ما را تشکیل مید هد و به آرایش جسم و روح آنها پر دا خته میشود . (۴۰)

مقاله و تصویری که از زنان افغانستان توسط آن نویسنده شناخته شده ارایه شده گرچه از بسی جهات قابل تامل است و نمیتوان بر همین تقسیم بندیهای یاد تکیه کرد ولی آنچه محقق است آنست که زنان طبقات زحمتکش و مولد نعمات مادی عمدتاً در روستاها و حتی ، حومه شهرها به علت ناگزیری شرکت آنها در تولید اجتماعی از برخی آزادیهای طبیعی بهره داشته اما فقر و تنگدستی و کارهای توان فرسای تولیدی زنده گی آنها را همواره تهدید داشته ، دشوار است از صحت مندی زن و اطفال زحمتکشان باطمینان سخن را نند. بین زنان کوچی نیز به تناسب وضع زنده گی میتوان بصورت نسبی از تند رستی صحت و زیبا ئی طبیعی صحبت کرد . همچنانکه در شهرها هم فقط مشتی از خانواده های محدود که بیشتر به اریستوکراسی شهری و تعلیم یافته ارتباط داشته میتواند نمونه های از آزادی و برابری مرد و زن در فامیل را ارایه کنند . زنان زحمت کش و خرده بورژوازی شهری حتی تاکنون هم بشدت در گرو برخی سنت های اسارت آور قرون وسطائی در گیر اند و آزادی و برابری برای آنها به مفهوم واقعی کلمه و جود نداشته است . شاید مدعای ما و جودهزاران زن چادری پوش و تحت حجاب قرا رگر فته شهر کابل مر کز کشور است که هر روز بالا استشنا با نرو بر هستیم تازه اینکه تنها حجاب بر انداختن مفهوم آزادی را نداشته همین هزاران زن پیرو و جوان را که روزانه بدون حجاب میبینیم دسته دسته بسوی کار های دولتی ، موسسات تعلیمی و یا تولیدی و امثال آن میروند چه

۴۰ - غلام حبیب نوابی (زن) سال ۱۳۳۸ هـ مطبعه عسکری مقاله

میر من ابو بکر .

بسا که دست‌های لطیف شازبه هزار و یک زنجیر اسارت پدر
سالاری و بی‌حقوقی‌های اجتماعی بسته است و از آزادی و برابری
حقوقی جز نام حاصل عملی ندارد.

۴- کار، مبارزه و زنده‌گی زنان افغانستان در یک و نیم دهه قبل از انقلاب:

قبل از سال‌هاییکه در ذیل از آن صحبت خواهیم داشت باری در
سال ۱۳۳۵هـ. ش نوعی از آزادی‌های معینی برای زنان کشور
اعلام شد که بعداً آنرا بنام نهضت زنان مسمی داشتند. این حرکت
که گامی به پیش محسوب می‌شود چنان محدود بود که میدان وسیع
به سهمگیری زنان در حیثیات اقتصادی و اجتماعی جامعه نمیداد
با نهم زمانیکه تب و تاب زنده‌گی جامعه در پایان دهه چارم سده
روان‌هجری شدت گرفت ادامه‌زنده‌گی در نوع اختناق و ستمگری
برای توده‌های وسیع مردم جامعه و روشنفکران پیشرو و
آگاه آن غیر قابل تحمل گشت کاسه صبر توده‌ها لبریز شد،
اراده با لقاوه خلق‌های کشور و شرایط تغییر یافته جهان محافل
حاکمه را بدان واداشت که با طرح قانون اساسی جدید یک
سلسله آزادی‌های دموکراتیک را برای مردم کشور روی کاغذ
وعده دهند. این آزادی‌ها هر چند در مورد زنان بصورت اخص از
همان کلمات تکراری همه قوانین اساسی گذشته چیزی تازه نداشت
ولی در مجموع زمینه‌های شکل‌گیری سازمانی مبارزات دمو-
کراتیک در وجود جریانیها و جمعیت‌های مختلف سیاسی و شکل
گیری مبارزات صنفی برای زنان تا حدی ممکن گشت. در سال
۱۳۴۴هـ. ش به ابتکار ح. د. خ. ۱، بنیاد سازمان دموکراتیک زنان
افغانستان بخاطر تداوم سنن مبارزات قهرمانانه زنان افغانستان-
نستان گذاشته شد. این سازمان صنفی هر چند از جهت پیوند آن
به ح. د. خ. ۱، جانبداری معینی ایدیولوژیک و آرمانی را از خود نشان

میداد و لی در جهت جلب هر چه وسیع تر زنان کشور و تبدیل
 سازمان بمرکز تشکلی نیرومند زنان افغانستان از استقلالیت
 معین سازمانی بهره مند بود. سازمان به فعالیت دوامدار مو-
 سسه نسوان که شکل خاص دولتی داشت و نوع شکل گیری بیش
 نبود فقط از آن جهت که درین دسته و یا به طریق آن عده از
 زنان صاحب نظر نویسنده و چیز فهم سالها بخاطر بیداری
 زنان مینمازمبارزه پرداخته بود عطف توجه بیشتری
 داشت و میخواست بانفوذ در آن به وحدت کار سازمانی و صنفی
 زنان افغانستان شکل دهد و نیز سازمان دموکراتیک زنان افغا-
 نستان پیوسته تلاش میورزید تا روابط خود را با بخشی از زنان
 متشکل شده در نیروهای ملی و دموکراتیک بر پایه وجود
 مشترک صنفی شان استقرار بخشد. سازمان بصورت وسیع
 در مکتبها، پوهنتونها و موسسات دولتی و نیز بعدها در
 ولایات، ولسوالیها و علاقه داریها بکار و مبارزه بخاطر حقوق صنفی
 و سازمانی خود ادامه داد و به تدریج به کمک اعضا و هواخواهان
 خود به نیروی صنفی معین مبدل شد تا آن حد که توانست در اغلب
 جشنهای همبستگی بین المللی زنان (۸ مارچ) روز بین المللی
 همبستگی کارگران و سایر جشنها سهم فعال ایفا نمایند و هر قدر
 که سازمان به تشکلی و پختگی خود به تدریج میافزود به همان
 پیمانها صفوف آن وسعت یافته درمارشها، تظاهرات و اعتصابات
 توده ای و روشنفکری کشور سهم میگرفتند. مبارزات زنان تشکلی
 یافته در س.د.ز. اهرچند درین یک و نیم دهه قبل از انقلاب جنبش در
 حال قدرت گیری فعال زنان را نشان میداد و فعلا این سازمان
 در عرصه های مختلف زنده گی اعم از تعمیم سواد، پیشبرد صنایع
 دستی، تدبیر منزل و انجام برخی کمکها به زنان بی بضاعت و سهم-

گیری در خدمات اجتماعی کشور محور توجه بیشتر بوده است با آنهم نمیتوان مجموع کار، مبارزه و فعالیت بیدار کننده و انجام خدمات اجتماعی به زنان کشور را در چارچوب این سازمان صنفی خلاصه کرد. کار، مبارزه و فعالیت بیدارگران نه روشنفکران کشور اعم از زن و مرد از طریق نهاد های دولتی و با استفاده از رسانه های گروهی هر چند خصلت فردی را داشته ولی از موثریت بیدار کننده ناچیزی برخوردار نبود به طور مثال از سال ۱۳۵۵ هجری تاکنون نشریات مجله میرمن، مجله دیگری بنام کهول به نشرات خود آغاز کرد. این مجله بدون شک در مورد حقوق و آزادی های زنان و مسایلی تاریخ و زندگی آنان و پیشرفت های علمی و فرهنگی نام ها از زنان نامور کشور و جهان خدماتی خوبی در عرصه کار بخاطر بیداری زنان میهن و مبارزه با سنت های زیان بخش اجتماعی انجام داد. با توسعه عرصه تعلیمات ابتدائی، متوسطه، ثانوی و عالی در کشور و جذب تعداد زیادی از دختران و زنان کشور در آن و نیز گسترش سازمان ها مشاغل تولیدی و غیر تولیدی برای زنان و بنیاد گذاشتن برخی نهاد های خدمات اجتماعی برای زنان در جنب س.د.ز.ا. مبارزات خود انگیزه زنان نیز شکل می گرفت و به یکی از نیروهای بالقوه جامعه برای دگرگون ساختن وضع و در هم شکستن چارچوب مناسبات غیرعادلانه اجتماعی تبدیل میشد. تأثیرات مبارزه متشکل و خود انگیزه زنان در سال های نزدیک به انقلاب در شهرها با قوت محسوس بود و راه را به سوی دهات و روستا های کشور نیز به تدریج میگشود و به این گونه زنان کشور وارد عرصه زندگی سیاسی و اجتماعی کشور شدند. اثرات ژرف بر تقویت پرونده مبارزه دموکراتیک و انقلابی در کشور میگذاشت.

فصل چهارم

بخش اول

الف - پیروزی انقلاب و پیامدهای آن در زندگی زنان :

پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ثور يك امر تصادفی نه بلکه ناشی از قانون مند و تکامل اجتماعی تاریخی جامعه ما بود . این انقلاب که با قیام مسلحانه هفت ثور سال ۱۳۵۷ آغاز یافت اراده با قوه و با الفعل توده های زحمتکش مردم و عامه خلق کشور را با خود داشت و نقطه عطف بود که دور نمای زنده گی نوین را بروی تکامل جامعه عقب نگه داشته شده ما میگذراند . تحولات انقلابی آغاز شد و در همه عرصه ها اعم از سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نه تنها جواب منطقی به خواست های توده های وسیع مردم جامعه از زنان و مردان بود بلکه با در هم کو بیدند یوار های مناسبات فیودالی و غیرعادلانه اجتماعی زمینه رشد نیرو های مولده کشور و تأمین آزادی های دموکراتیک برای همه خلقها، اصناف و اقشار کشور را فراهم می آورد و به رشد همه جانبه اقتصادی - اجتماعی جامعه میدان میداد . زنان افغانستان که نیمی از پیکر جامعه را تشکیل میدادند ازین پیروزی با گرمی و شور و شوق زاید الوصف استقبال کردند . زیرا تحولات در دست داشته انقلاب به شکستن زنجیر های اسارت فیودالی و محدود ساختن بیعدالتی های جامعه بر زنده گی زنان بقوت یاری میرساند و

نخست از همه موانع که بر سر راه زنده گی آنان قرار داشت بتدریج و با احتیاط برداشته می شد. با پیروزی انقلاب به سرعت عرصه تعلیمات به سطوح مختلف گسترش یافت، زمینه های فعالیت های گسترده تولیدی و غیرتولیدی برای زنان مهیا می گشت و با تطبیق پروگرام اصلاحات دموکراتیک از ضی و آب ملیو نسها خانواده دهقانان بی زمین و کم زمین مالک قطعات زمین خود می شدند و لغو عوارض فیودالستی از قبیل سود، سلم و گروی بر زنده گی بخشی از خانواده ها اثر مثبت بجا گذاشت. انقلاب از همان آغاز این روزها در جمع پروگرام های اصلاحی بنیادی در خطوط اساس و ظایف انقلابی ج ۱، (تا مین تساوی حقوق زنان با مردان در کلیه زمینه های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مدنی) را تسجیل نمود و مبارزه موثر بر علیه بی سوادگی که زنان بیشتر به آن گرفتار بودند در دستور روز قرار گرفت آغاز دو باره فعالیت مکتب نرسنگ، ایجاد شبکه و وسیع تعلیمات شبانه لغو کانون رصنوف هشتم، در دست گرفتن پروگرام و وسیع تعمیم سواد در سطح کشور، تبدیل (۲۴) جوزا که روزها در نامیده میشد به (۱۷) حوت روزهمبستگی بین المللی زنان، تعیین سه ماهه رخصتی بامعاش در دوران ولادت و انفاذ فرمان شماره هفت شورای انقلابی به خاطر تساوی حقوق زن و مرد در عرصه حقوق مدنی، تحکیم روابط بهتر خانواده ها و تجدید مناسبات غیرعادله پدرسالاری بین زن و مرد و ده ها پروگرام اصلاحی نمیتوانست مورد استقبال زنان کشور قرار نگیرد و این نفوس قهرمان غیرفعال نگهداشته شده جامعه را به به همگیری فعال در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه فراخواندند...

دگرگوئیهای وسیع سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در

سطح کشور اگر از سوی به جامعه و روند تکامل آن تحرك می بخشد از جانب دیگر برخی طبقات، محافل و نیروها بدون شك منافع خود را در حال زوال یافته و انقلا ب ناگزیر ضدش را می یافت. مبارزه انقلاب و ضد انقلاب به صورت طبیعی برخی مصیبت ها را نیز تحویل جامعه میداد که احساس نازك و پرعاطفه زنان بیشتر جریحه دار می ساخت.

ب- تحمیل جنگ اعلان نشده ورنجهای ناشی از آن:

انقلاب اجتماعی به مفهوم واقعی این کلمه تحولات عمیق و بنیادی، اقتصادی، اجتماعی سیاسی و فرهنگی را با خود دارد. پروسه تحقق تحولات اجتماعی منافع طبقات و محافل را که صاحبان منافع بزرگ استثمار می بودند و عاملین بیعدالتی های اجتماعی در جامعه محسوب می شدند در معرض سوالات قرار میداد. به همین دلیل انقلاب ب ضدها را نیز با خود دارد. اشتباهات، لغزش ها و بعضاً اشتباه زده گي های نیز گاه به عنوان عوامل ضمنی در تقویت جنبه مخالف نقش داشته و بهانه برای مخالفین بوده است. ولی آنچه مسلم است اینست که حمایت وسیع و بیدریغ توده ها از حاکمیت نوین انقلابی به رشد طبیعی پروسه انقلاب و وسیعاً میداد و دشمنان آن در سطح داخلی هرگز توانائی مقابله با آن را در خود نداشته و نمیتوانست داشته باشند. فقط آنگاه که نیروهای افراطی مخالف به آغوش ارتجاع منطقه بخصوص کشورهای پاكستان و ایران پناه برده و ازین مراکز به كمك نیروهای ارتجاعی و امپریالیستی تربیت، تجهیز و تسلیح یافتند و به آرایش جدی قوت های تخریبی دست زدند طبق نقشه و دستور حمایت کنندگان منطقوی و بین المللی شان به شكل صدور ضد انقلاب وارد جامعه شدند و بر علیه منافع وطن، مردم و انقلاب قرار گرفتند.

این افراطیون صادر شده دیگر آن مخالفین ساده قبلی نبود بلکه تسلیحات و مشاوریان ارتجاع و امپریالیزم جهانی آنها وابستوی کشور ما گسیل داشته و جرئت مقاومت می یافتند. با توجه به این امر است که بحق میتوان گفت که ارتجاع و امپریالیزم جهانی در واقع جنگ اعلان نام شده را در سیمای همین افراطیون به کشور مصادره نمود. در نتیجه این جنگ و وحشت آفگنی ها طی نزد یک به نه سال بخش عظیمی از هستی مادی و معنوی جامعه دستخوش بر باد و نابودی گشت و با تحمیل تلفات شدید انسانی و ویرانی خانه ها راه ها، پل ها، موسسات دولتی و وحشت آفگنی ها در دهات و شهرهای کشور رقص و نیت توده های مردم بهم خورد. هزاران مادر و خواهر وطن بداغ جگر گوشه های خود عمق مصیبت را در مدت طولانی احساس کردند. پروسه عادی روند تکامل اجتماعی بهم خورد، آزارآمیز زنده گی کار و مبارزه به خاطر نو سازی جامعه دچار مصیبت گشت و نیروهای پر شمار انسانی با توان مالی جامعه صرف جنگ و طرد تجاوزات ضد انقلاب صادر شده گشت. نیروهای افراطی و عقب گردا قبل از همه دشمنی خود را با معارف و فرهنگ کشور آغاز نهاده و درین زمینه چهره خشونت بار خود را در برابر کار و زنده گی و مبارزه وطن پرستانه و تعمیم تعلیمات برای همه بخصوص برای زنان کشور نشان داد. و وحشت ضد انقلاب میلیون ها انسان دهات و روستاهای کشور را مجبور ساخت که به امید واهی و با فتن سرزمین های مضمون از مرزهای کشور خارج شده و در حلقه از سیم های خاردار بنام کمپ های مهاجرین در آن سوی مرز زندانی شوند. این جنگ تحمیل شده نه تنها هزاران هزار زن و طفل را آواره دیار بیگانه گان ساخت، بلکه میلیون ها زن و طفل دهقانان و همه روستایان کشور را همراه با هزاران خانواده های کوچیان میهن ما به

علت از بین رفتن مصو نیت زنده گی و امنیت راه ها از چیر یا ن عادی زنده گی بیرون را نده فقر، تهیدستی و رنج بی پایان ناشی از کشت و کشتار بیرحمانه در کشور بر شانه ها و روح حساس آنها سنگینی کرد. ده ها هزار انسان زخمی و معیوب و ملیونها طفل و جوان و نیمه جوان بخصوص دختران میهن ما از فرا گرفتار تعلیم و تربیه و سواد محروم ماندند. خلاصه هر دردی که بر سر جامعه ما وارد آمد فریاد جگر سو ز مادر و خواهری را بلند ساخت و روحش را به سختی شکنجه داد. تأثیرات ناگوار و رنج دهند این جنگ زنان، خواهران و مادران شهر رانیز بی داغ نگذاشت زیرا دفاع از وطن هستی و شرف مردم فرزندان توده های وسیع شهر را نیز یکسان با سایر فرزندان وطن به جبهه دفاع و مقابله با ضد انقلاب فرا میخواند و چیر یا ن جنگ ناگزیر شهید و زخمی را بجا می گذاشت و مصو نیت داخل شهرها هم گاه گاه با اعمال سخت و وحشیانه و تکان دهند بهم خورد. رنج بردل مادر میگذاشت و خواهری را از شرین ترین عضو فامیلش محروم میکرد.

ج- دوام مبارزه در شرایط دشوار جنگ :

آتش جنگ هر قدر زبانه میکشید بهمان اندازه هستی بیشتر مادی و معنوی جامعه را در خود فرومیبرد. مواد سوخت این جنگ تحمیلی و اعلان ناشده از زرادخانه های ارتجاع بین المللی با قوت بیشتر و بیشتر تر میشد. تنها تقبیح کردن جنگ و تنفر نشان دادن در برابر شعله های آتش جنگ دردی را دوا نمیکرد بلکه منافع وطن، مردم و انقلاب ایجاب میکرد تا صفوف مبارزه بر علیه وحشت جنگ وسیع تر و فشرده تر گردد. در این امر ناگزیر اشتراک و سیع زنان و دختران سر سپرده و قهرمان

کشور نیز به يك ضرورت حیاتی مبدل می‌شود . س.د.ز.ا (اکنون شورای زنان افغانستان) با کار وسیع و قابل توجه خود از جنبش آگاهانه و خود انگیخته زنان بر علیه ضد انقلا ب استفاده برد و با تشکل نیروی زنان کشمو رصفو ف مبارزه ضد ارتجاعی را تقویت و غنا بخشید . تشکل بیش از یکصد هزار از خواهران و مادران کشور دوسازمان زنان ، معر فی ۱۲۳۴ نفر آنها از همین طریق به ح.د.خ.ا و جود ۱۴۴۴۰ نفر دختر جوان در س.د.ج.ا ایجاد ۳۵۴ سازمان محل زیست ، ۲۸ شورای ولایتی ، ۲۸ شورای شهری ، هفتاد و یک شورای نواحی ، ۴۴۲ شورای قریه ۸ شورای ولسوالی یک شورای علاقه داری ۷۸۸ شورای محل زیست (۴۱) نمونه از تلاشهای است که در اوج جنگ و شرايط دشوار زنندگی کنونی انجام یافته است .

همین اکنون ۶۴.۹ نفر زن و دختر جوان سلاح بدست در گروه های مدافعین حماسه های فاضله ها ، شمله ها ، را ضیه ها سنخله ها و ده ها قهرمان زن کشور را بخاطر تدویم سنت مبارزات قهرمانانه زنان ادا می دهند .

فعالیت های زنان کشور تنها به امر جنگ تخصیص نیافته بلکه تلاش تو لیدی و هستی آفرین زن زن نیز در چارچوب شورای زنان افغانستان و بیرون از آن نه تنها دوام داشته بلکه قوت بیشتر و پر روح تری نیز یافته است . همین اکنون تحت رهبری انجمن مرکزی زنان که وظیفه سمت دهی و رشد استعداد های زنان میهن را بدوش دارد (۶۶) انجمن با ۱۵۰۰۰ عضو در عرصه های مختلف کارهای حیاتی و تولیدی مصر و ف کار کلکتیفی اند . و در خارج ازین بخش نیز در ادارات دولتی نزدیک به ۱۳۰۰ زن تنها در امور مختلف طبیبی مصر و ف کار اند ، ۸۵ نفر استاد ، ۶۹۲ نفر

انجنیر ۲۲۱۲۹ معلم مکتب از بخش زنان به وضوح نمایانگر این واقعیت است که نبض زنده گمی جا معه مابر خلاف تلاشها و تصورات دشمنان و وطن به قوت در جهت بهسازی و اعمار جامعه نوین ادا می دارد. شورای سراسری زنان که در سال ۱۳۵۷ عضویت فدراسیون بین المللی زنان را حاصل داشت اکنون با ۸۳ سازمان معتبر زنان جهان ارتباط صنفی و فرهنگی دارد. اگر از شماره زنان نویسند شاعر و قلم بدست بیرون از سازمانهای روشنفکران خلاق بگذریم هم اکنون ۳۸۱ نفر از زنان کشور عضویت اتحادیه ژورنالیستان را داشته و ۲۲ نفر دیگر از طریق انجمن نویسندگان افغانستان به افرینشگری مصروف اند.

جنگ تحمیل شده هر چند قبل از همه متوجه معارف کشور بود و میخواست این مشعل زنده گمی جا معه را قهرا خاموش سازد ولی بانهم مبارزه و مقاومت خلق ها و احکامیت مردمی کشور تلاش های نیروهای ظلمت پرست را مجدود نقش بر آب ساخته تنها در بخش تعلیم و تربیه زنان غیر از مکاتب مختلط (پسر و دختر) ۳۰۶ مکتب به سطوح مختلف برای نو با و ه گان کشور فعال بوده که از جمله ۹۵ باب آن مکاتب ثانوی است که توسط ۱۸۸۷ نفر معلمان تدریس میشوند. شبکه کود کستانها و شیرخوارگاه ها با قوت افزایش یافته چنانچه شمار کود کستانها تا نیمه اول سال ۱۳۶۶ به ۳۳۷ باب رسیده و ۱۸۸۲۷ طفل در آن توسط ۲۱۸۲ نفر معلم تربیت و پرورش میشوند. نزدیک به ۳۳۰۰۰ زن در جریان ده سال انقلا ب از نعمت سواد بهره مند شده است قانون اساسی کشور در ماده ۱۴ - ۱۵ با صراحت اعلان میدارد که: ((در جمهوری افغانستان زن و مرد در تمامی عرصه های اقتصادی، سیاسی

اجتماعی و فرهنگی حقوق مساوی دارند. خانواده رکن اساسی
جامعه را تشکیل میدهد و البته منظور تا مین صحت طفل و مادر
و تربیه اطفال تداوم را اتخاذ مینماید. ((

در شرایط کنونی که سیاست مصالحه ملی زمینه های مساعد
تا مین صلح و آرامش را در کشور پیشبینی
میکند و امید خلق های کشور را برای برچیده شدن بستر جنگ
و ویرانی قوت یافته و نیروهای صلح دوست منطقه و جهان نیز
نیروهای جنگ افروز را بشدت نفرین میکنند دیری نخواهد پایید
که کبوتر صلح بسوی دیار جنگ زده ما پروبال گشود و خوش
شبختی از دست رفته خواهران و مادران کشور بازگردد به یقین
میدانیم اگر این جنگ تحمیل شده نمی بود و جامعه مابجریان عادی تکامل
خود گذاشته میشد امروز بدون شك لبخند خوشبختی بر لبان ملیونها
زن کشور نقش می بست و لیدیها که هنوز جنگ زنگ غم و
اندوه را بر آن گسترده است باید گفت که در تمام دوران
انقلاب نقش بیدار کنند زنانه کشور را هم به طریق فعالیت
سیستم یافته شورای زنان افغانستان و هم در فعالیت های انفرادی
زنان روشنفکر با قوت محسوس بود و این امر
در سطح جامعه تحرك و سیع بسود آینده زنان

افغانستان بوده است. از آنجا ئیکه هر تحول عمیق سیاسی، اجتماعی
نیازمند مبارزه متشکل کلکتیفی و سازمان یافته است و بخش وسیع
از زنان کشور امروز به اهمیت نقش خود در مبارزه مشترک برای
احقاق حقوق و ضرورت سهم گیری فعال شان در حیات
سیاسی و اجتماعی جامعه در عمل پی برده اند و نیز در سطح کشور یگانه
مرکز فعال و دارای کادر وسیع فعالین برای تعمیم و تداوم کار
روشنگرانه و هستی ساز هما نشورای زنان افغانستان است
لذا بر روشنی دشواری ها و اهمیت رسالت این شورا را میتوان در امر

تشکل و سوق نیروی هستی‌ساز زنان افغانستان به سوی مبارزه با همه بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی درك کرد. کار و فعالیت که تا اکنون درین عرصه توسط شوراهای زنان انجام شده با در نظر داشت شرایط ذهنی جامعه و وضع اقتصادی - اجتماعی خانواده‌ها بزرگ و درخور ستایش است. اما جراحات شدید یک جامعه بلا کشیده ما از جنگ بر داشته و بیش از همه زنان میهن از آن متاثر گشته اند ایجاب میکند تا به همه نیرو دستان پر عافیه و احساس صلح طلبانه و ترقیخواهانه همه زنان میهن را بسوی مرهم‌گزار برای جراحات جذب کرد و نیروی این نیمی از پیکره کشور را به روند انقلابی جامعه در جهت انکشاف و ترقی اجتماعی فراخواند.

منابع و ماخذ

- ۱- ابرا هیمی ، محمد اسحق مراکز مهم بودائی در افغانستان کابل . سال ۱۳۶۱ ه .
- ۲- پنجشیری دستگیر ر شدو پیدایش سر ما یه داری کابل نسخه تایی .
- ۳- حبیبی ، عبدالحی ، افغانستان بعد از اسلام . دو جلد . کابل سال ۱۳۵۷ ه
- ۴- حبیبی ، عبدالحی تاریخ مختصر افغانستان دو جلد . کابل سال ۱۳۴۹ ه .
- ۵- حبیبی ، عبدالحی ، پته خزانچاپ سوم . کابل . سال ۱۳۵۴ ه .
- ۶- رحمانی ، ماگه ، پرده نشینان سخنگوی . کابل . سال ۱۳۳۱ ه .
- ۷- شکار پوری ، ساسانکا . (کیفر زنان ذر تاریخ قدیم هند) ترجمه محمد آصف فکرت . مجله کهول شمار ه پنجم سال اول .

۸ - طبری احسان . بر خسی پررسی ها . تجدید چاپ . کابل سال ۱۳۶۱ هـ .

۹- غبار ، میر غلام محمد ، افغانستان در مسیر تاریخ . کابل . مطبعه دولتی ۱۳۴۶ هـ

۱۰ - کهزاد ، احمد علی . تاریخ قدیم افغانستان . در دو جلد کابل مطبعه دولتی سال ۱۳۳۴ هـ

۱۱- میر حسین شاه ، افغانها در هند . کابل چاپ سال ۱۳۴۵ هـ

۱۲ - نوایی ، غلام حبیب (زن) مجموعه مقالات . کابل مطبعه عسکری سال ۱۳۳۸ هـ .

۱۳ - تالقانی ، نور الله ، افغانستان ما قبل آریائی ها . کابل مطبعه ذوالتی ۱۳۶۱ هـ

۱۴- هدی ، حسین . زنان برگزیده . کابل .

۱۵ - سراج الاخبار افغانیه . کلکسیون های سالهای مختلف .

۱۶ - مجله میسر من دوره اول و دوم (کلکسیون ها)

۱۷ - امان النسوان . در سه جلد برای مکاتب رشدیه چاپ ۱۳۰۴ هـ

۱۸ - مجله کهول کلکسیون های سالهای ۱۳۵۵-۱۳۵۶ هـ

۱۹ - گذارش تالیپی وزارت تعلیم و تربیه ده سال بعد از انقلاب .

۲۰ - مجموعه گذارشات موسسات دولتی و سازمانهای اجتماعی مبنی برده سال کار در خدمت بنان .

۲۱ - یادداشت های شخصی .



٥

3. 54

1. 51

7. 55

مطبعة دولتی